کتاب مستطاب روضة الانوار

در آداب سلوک

و کتاب زکات از کتب کفایة الاحکام

هر دو بخط شریف مصنف اعنی الفاضل العالم
الحکیم المتکلم الفقیه الاصولی المحدث المولی محمد باقر
السبزواری قدس سره المتوفی سنه الف و تسعین

1

كتاب مستطاب روضة الانوار

در آداب سلوك

وكتاب زكات از كتب كفاية الاحكام

هر دو بخط شريف مصنف اعنى الفاضل العالم
الحكيم المتكلم الفقيه الاصولى المحدث المولى محمد باقر
السبزوارى قدس سره المتوفى سنة الف وتسعين
المدفون فى المشهد المقدس الرضوى على مشرفه السلم
ومزاره هناك معروف

1

کتاب مستطاب روضة الانوار

در آداب سلوک

و کتاب زکات از کتب کفایة الاحکام

هر دو بخط شریف مصنفها اعنی الفاضل العالم

الحکیم المتکلم الفقیه الاصولی المحدث المولی محمد باقر

السبزواری قدس سره المتوفی سنه الف و تسعین

المدفون فی المشهد المقدس الرضوی علی مشرفه السلام

و مزاره هناک معروف

روضة الانوار عباسی در ...

کتاب روضة الانوار عباسی از مولفات نواب غفران مآب خاتم المجتهدین
مولانا محمد باقر السبزواری الخراسانی قدس سره صاحب الکفایة
و ذخیرة المعاد بخط الشریف

۲

نسخه اصل

[illegible]

از جمله مصنفات حضرت محقق سبزواری اعلی الله مقامه
کتاب ذخیرة المعاد در شرح ارشاد علامه
و رساله در حقیقت نماز جمعه ...
فارسی

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

افتتاح کلام بنام واجب الاحترام پادشاهی سزد که اقتضای حکمت بالغهٔ ازلیه و فیض [illegible] دولت [illegible]
باعث انتظام مصالح جمهور و ارتباط مفاصل امور ساخت و جهت تشیید مبانی شرع انور و اجرای مراسم دین ازهر رایت
دولت ملوک معدلت شعار و سلاطین نصفت کردار را بر افراخته و بروج عظمت و اوج سپهر جلالت بر افراخت و صلوة
نامحدود و درود غیر معدود بر ذات کامل الصفات [illegible] کتاب ابداع و اختراع است و [illegible] حضرت
انسی تتمیم مکارم اخلاق و ختام لطایف اصطناع و بر آل طیبین و اهل بیت طاهرین آن حضرت [illegible]
مشارق افلاک تقدس و هدایت [illegible] عالم [illegible] مطالع بروج ارشاد و [illegible] اوج
فروغ اعتلا صلی الله علیه و آله الطیبین الطاهرین اما بعد [illegible] آغاز سعادت انجام [illegible]
[illegible] جهانبانی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible] خلد الله ملکه
[illegible] سلاطین [illegible]
[illegible]
[illegible] السلطنة الباهره مالک رقاب الجبابره بالسطوة القاهره السلطان بن السلطان بن السلطان [illegible]
[illegible] الشاه عباس الحسینی الموسوی الثانی [illegible] العالمین [illegible]

[illegible] آن حضرت
[illegible] صفات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

سرون توانند آمد مقید در بودگای که ... سیاسة المدن تالیف ... پادشاهان ... کتب ... [illegible]
افزود ... [illegible] ... از حقوق ...
رعایت نموده باشد ... [illegible] ... بشارت
... [illegible] ... ناقص است
در ... [illegible] ... چون ... [illegible]
کتاب ... [illegible] ... سلاطین ...
... [illegible] ... اقسام داده
... [illegible] ... حضرات ائمه
حضرت امام ... امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه افضل التحیة ... سلاطین ...
... [illegible] ... عبارات ...
والفاظ ... [illegible] ... خواص و عوام ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
و این کتاب مرتب است بر مقدمه و دو قسم مقدمه در بیان ... پادشاهان ... ایران
مرتب ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... قسم اول ... پادشاه ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... فصل اول

در این قسم هفت باب است باب اول در ذکر بعضی ... تغیر و انقلاب ...
و بیان آنکه سبب آمدن آدمی ... [illegible] ...
اول در این جهان ... آرام ... [illegible] ... آدمی ... فصل
... [illegible] ... معروف ... [illegible] ...
باب دوم در بیان ... [illegible] ...
... [illegible] ... باب
... [illegible] ... باب
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... لازم است و در این باب چند فصل است باب ششم در ...
... [illegible] ... باب هفتم در ...
... [illegible] ... قسم دوم ... قواعد ... پادشاه ...
... [illegible] ... دولت ... پادشاهی ...
... قسم اول ... و در این قسم هفت باب است باب اول ... آداب ... پادشاه ...
... باب دوم در آداب ... پادشاه ...
... [illegible] ... دولت
... [illegible] ... باب سوم در آداب ...
... پادشاه ... [illegible] ...

[illegible]

در این باب چهار فصل است

فصل اول

[illegible]

[illegible] معلوم شد و این [illegible] معلوم شد که [illegible] تحصیل قوت [illegible] هر یک [illegible]

معاونت [illegible] هر یک بشغلی مشغول باشند [illegible]

[illegible] و [illegible] است [illegible]

[illegible] چه اگر هر شخص خواهد که بتهیه غذا و لباس و مسکن خود مشغول شود تا اول ادوات نجاری و درودگری و [illegible]

بر آن آلات و ادوات زراعت [illegible] و غیر آن [illegible] تحصیل [illegible]

آدمی [illegible] معاش [illegible]

زندگانی نتواند [illegible] معلوم شد که آدمی تنهائی زندگانی نتواند [illegible] هر یک بشغلی مشغول [illegible]

[illegible]

[illegible] اعمال [illegible] است [illegible]

[illegible] مختلف [illegible] هر یک [illegible] مشغول [illegible]

[illegible] اختلاف [illegible]

کارهای مختلف [illegible] معاش [illegible] احوال خلق [illegible] مختلف [illegible]

[illegible]

[illegible] الناس [illegible] جمیعا [illegible]

[illegible] مختلف [illegible] معاش [illegible]

[illegible] بعضی [illegible] و بعضی [illegible]

[illegible] هر یک [illegible]

[illegible] معاش محتاج است باجتماع و این اجتماع [illegible]

[illegible] حکما [illegible] الانسان مدنی بالطبع [illegible] محتاج است باجتماعی که از آن تعبیر بتمدن کنند

تا امر [illegible] است [illegible]
[illegible] هر یک [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و چون دواعی [illegible] مختلف است و هر نفسی طلب منفعت خود [illegible] بعضی [illegible]

[illegible] هر یک [illegible]

[illegible] معاونت [illegible]

[illegible] هر یک [illegible]

[illegible] صاحب شرع [illegible]

[illegible]

تا احکام [illegible] عبادات [illegible]

[illegible] معاملات [illegible] احکام [illegible] هر یک [illegible]

[illegible] هر یک [illegible]

[illegible]

[illegible] احکام [illegible]

[illegible] احکام [illegible]

[illegible] هر یک [illegible]

[illegible] اخلاق [illegible]

[illegible] امام [illegible]

[illegible] امام [illegible]

علی بن ابی طالب علیه السلام [illegible] پادشاه [illegible] امام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله [illegible]

حضرت امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] پادشاه [illegible] امام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حقیقت و مصلحت امام اعلی را از نظرها غایب می باشد و کسی را وصول بحضرت آن امام میسر نیست الا اخص خواص اهل ایمان
موجود است و مثل او چون مثل آفتاب است که در زیر ابر پنهان باشد [illegible] و منفعت او بر زمین ظاهر و موجود است
و در این زمان که امام از نظرها غایب و پنهان باشد [illegible] علما [illegible] حضرت صاحب الزمان و خلیفة الرحمن
علیه صلوات الملک المنان [illegible] در حجاب سحاب [illegible] پادشاهی [illegible]
[illegible]
که در این جهان [illegible] و اختلال [illegible] می باشد [illegible] ضرورت [illegible]
[illegible] علما [illegible] بر حق [illegible]
[illegible] علما [illegible] جناب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اهل [illegible]
[illegible]
[illegible] بسیار است [illegible] جهان [illegible]
[illegible] فصل دوم [illegible] در دوام ملک و پادشاهی [illegible] تفصیل [illegible]
[illegible] اسباب زوال و اختلال ملک [illegible] اسباب [illegible]
[illegible] اسباب دوام ملک [illegible]
[illegible] اسباب زوال ملک [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۱۶۰

۷

[illegible] ما عذاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اسباب زوال ملک
[illegible]
[illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] جانفشان [illegible] وزرای صاحب [illegible]
و امرای [illegible]

داد قبول ... سلطان الب ارسلان سلجوقی بود [illegible]

[illegible]

چون در خاطر مسلمانان ... لشکر اسلام ... دشمنان ... [illegible]

الله ... لشکر مسلمانان ... [illegible]

... حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

ازین ... عالم ... [illegible]

[illegible]

و دیگر از اسباب زوال ملک ظلم است ... الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

۸

از اول ... [illegible]

... اسباب زوال ملک آنست که پادشاه ... ظلم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

اسباب زوال ملک ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و اسباب ایشان ... [illegible]

حضور ... [illegible]

[illegible] بادشاه [illegible] ملک [illegible]

[illegible] دولت [illegible] سلطنت [illegible]

[illegible] اطراف [illegible] ملک [illegible] سلاطین

[illegible]

[illegible] احوال [illegible]

[illegible] حضرات [illegible]

[illegible]

[illegible] حمد [illegible]

[illegible] شراب [illegible]

[illegible] سلاطین [illegible]

[illegible] شراب [illegible]

[illegible] پادشاهی [illegible]

[illegible] خاقان [illegible]

[illegible] سال [illegible]

[illegible] حضرت امام [illegible]

[illegible] سلاطین ایران [illegible]

از زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] امام [illegible] سلطنت [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطنت [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] سلاطین [illegible]

[illegible] پادشاهان [illegible]

[illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

[illegible] ابو احمد عبد الله [illegible]

[illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

[illegible] سلاطین [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible]

[illegible]

[illegible] اوقات [illegible]

[illegible] خلافت [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] علوم [illegible]

[illegible]

[illegible]

سعی کرده [illegible] اسباب [illegible] نظم اسباب آن دولت [illegible] وقت
اهل سنت [illegible] شده سبب بود فسادات [illegible] ایران [illegible]
امیر [illegible] [illegible] تخریب [illegible] برهم زدن [illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible] ایران [illegible] الفتنه
[illegible] وقت [illegible] ایران [illegible] شده
[illegible] اطراف عالم [illegible] صورت [illegible]
[illegible] افغان [illegible]
[illegible]
اسباب [illegible] اطراف عالم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] افغان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۳
[illegible] افغان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۱۰ چنین [illegible] امیرالمؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] محمود [illegible]
[illegible]
[illegible] اطراف عالم مشهور است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible]

۱۱

[illegible]

در علامت ... [illegible]

[illegible]

۳

بعد از آن زمان علاء الملک با وجود خلیفه را تمام نمود ساخته [illegible] چون از آن ده [illegible] از طلا را حرام [illegible] در باب کتب خلیفه و اولیاء [illegible] خان مختلف است لیکن از آنکه
منصور [illegible] و تربیت و طلب او [illegible] منفصل آمده [illegible] الک الملک خان نمود تا [illegible] از او باز [illegible] و چون خلیفه [illegible] از [illegible] طلب داشت خاتم الاعلام [illegible]
خلیفه چون از [illegible] الکاه [illegible] فرمان داد تا [illegible] از [illegible] و جواب [illegible] او [illegible] کعبه [illegible] پادشاه [illegible] است که از [illegible] اول [illegible] گفت
که او گفت [illegible] آفتاب [illegible] از [illegible] و جواب [illegible] خود [illegible] زمان [illegible] داد [illegible] خود [illegible] اصفهان [illegible]
راه [illegible] از این [illegible] پادشاهی و [illegible] تا ملک [illegible] از [illegible] جان [illegible] خلیفه [illegible]
که [illegible] او [illegible] خلیفه [illegible] از [illegible] و [illegible] از [illegible] کلیه خلیفه [illegible]
زر [illegible] علاء الملک [illegible] حلوا [illegible] در [illegible] کتب خلیفه [illegible] شده

[illegible] خلیفه [illegible] زمان [illegible]
[illegible] خلیفه [illegible] آنکه [illegible] خلیفه [illegible] ساخت
علاء الملک [illegible] آمد [illegible] اوزان [illegible]
اولاد [illegible] پادشاه [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] پادشاه [illegible]
که [illegible] پادشاه بوده [illegible] و [illegible] مشغول بوده [illegible]
دشمنان [illegible] اطراف [illegible] از [illegible] [illegible] یعقوب [illegible] سیستان [illegible] شد [illegible]
و [illegible] [illegible] یعقوب [illegible] محمد [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] خواب [illegible] شده [illegible]
[illegible] سلام [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] اسمعیل [illegible] آورده [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] [illegible] ساخت و [illegible] [illegible]
[illegible] خواب [illegible] [illegible] محمد [illegible]

و از زمان [illegible] از اصل [illegible] آن زمان [illegible] واقع [illegible] ولایت
[illegible] کار [illegible] میرزا محمد میرزا [illegible] میرزا شاه [illegible]
امرای [illegible] شاه اسمعیل [illegible]
خراسان [illegible] سلطان حسین میرزا [illegible] خراسان [illegible] السلطنه [illegible]
و سلطان حسین میرزا [illegible] میرزا [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] امرا و ارکان دولت [illegible] اطراف [illegible]
[illegible] خراسان [illegible] میرزا [illegible] خراسان [illegible]
خراسان [illegible] سلطان حسین میرزا [illegible]
[illegible] ملک [illegible]
[illegible] خراسان [illegible]
[illegible] سلطان حسین میرزا [illegible] سپاه [illegible]
[illegible] خواص [illegible]
[illegible] سلطان حسین میرزا [illegible]
[illegible] جواب [illegible]
[illegible] آگاه [illegible]
[illegible] خواص [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] آن وقت [illegible] الله [illegible]

[illegible] توقف نموده و با [illegible] ... [illegible] ... کتاب ... [illegible]

3 در باقی ... [illegible] ... آمده ... [illegible] ... شب ... [illegible]

[illegible] ... میرزا ... ایران آمده بود رسیده ... [illegible]

اصلا از ... سلطان حسین میرزا ... [illegible]

رسانید ... [illegible] ... خبر ... [illegible] ... شب ... [illegible]

[illegible] ... سپاه ... [illegible]

سپاه ... دروازه ... باغ زاغان ... [illegible]

[illegible] ... باغ زاغان رفت ... [illegible]

سلطان حسین میرزا از استماع این خبر ... [illegible]

میرزا ... [illegible] ... دروازه باغ ... [illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible] ... دروازه ... [illegible]

[illegible] ... میرزا ... [illegible]

[illegible] ... باغ زاغان ... سلطان حسین میرزا ... [illegible]

[illegible] ... باغ ... [illegible] ... اشارت فرمود ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

آن عمارت ... [illegible] ... سلطان حسین میرزا با ملازمان [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

رفع

13

مسافت ... [illegible] ... میرزا ... [illegible]

[illegible] ... پادشاه ... [illegible]

[illegible] ... سلطان حسین میرزا ... [illegible]

[illegible] ... سلطان حسین میرزا ... [illegible] ... میرزا ... [illegible]

[illegible] ... سلطان حسین میرزا ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... اسباب ... [illegible] ... اسباب زوال ... [illegible]

[illegible] ... پادشاه ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible] ... سلطنت ... [illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

بعد از آن ... [illegible]

[illegible] ... رسید

[illegible] و بسیاری از اسباب [illegible] و آلات [illegible] و بعد از [illegible] الشاق [illegible]

هزار [illegible] از آن [illegible] بود [illegible] جانب [illegible] خان [illegible] آمده [illegible]

[illegible] خراسان [illegible] سپاه [illegible] بسیار [illegible]

[illegible] الشاق [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] دولت [illegible] عراق [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] سلطان احمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شاهزاده [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] شاهزاده چون

[illegible] الشاق [illegible] آمده

[illegible] سلطان [illegible] دولت [illegible]

[illegible] شاهزاده [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] شاهزاده

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] شاهزاده

[illegible] شاهزاده

مو

۱۴

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] شاهزاده [illegible]

[illegible] شاهزاده [illegible] سلطنت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شاهزاده [illegible]

۳ [illegible] سلطنت [illegible] شاهزاده [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] الشاق [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان احمد [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شاهزاده [illegible] سلطنت [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] سلطان

[illegible] سلطان احمد [illegible] سلطان احمد [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

خطاب است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اصفهان [illegible]

[illegible]

[illegible] اسباب [illegible]

[illegible]

[illegible] اسباب زوال ملک [illegible] پادشاه [illegible]

[illegible]

[illegible] اسباب زوال ملک [illegible] پادشاه [illegible]

[illegible]

[illegible] اسباب زوال ملک [illegible]

[illegible]

و مدار انتظام امور برحسب [illegible] علما انسب [illegible] پادشاه و از احوال [illegible] بسیار [illegible] باشد

و لطف [illegible] باشد [illegible] و کلام در این باب [illegible] از [illegible] خواهد آمد و از این [illegible] است [illegible]

از دور [illegible] و اکابر [illegible] و دفع [illegible] و استظهار [illegible] یا اوجاعت [illegible]

[illegible] باشند از آن راه [illegible] ایشان [illegible] و اشراف [illegible]

[illegible] است چون [illegible] که تخصیص [illegible] شاه [illegible]

[illegible] مشغول است [illegible] جواب [illegible]

[illegible] مشغول [illegible] اهل [illegible] الله [illegible] جواب [illegible]

[illegible] السلطنت [illegible] بوده [illegible]

[illegible] آفتاب [illegible]

[illegible]

[illegible] آفتاب [illegible] آدم [illegible]

[illegible] اسباب زوال ملک [illegible] عداوت و مخالفت است میان [illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] اسباب [illegible] ملک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و الأشياء تعرف [illegible] و الصبر [illegible] الصابرین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در کلام حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است که ما اسرع الساعات فی الیوم و ما اسرع الیوم فی الجمع(؟) و ما اسرع الجمع فی الشهر و ما اسرع الشهر فی السنة و ما اسرع السنة فی العمر [illegible]

[illegible]

۱۸

[illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در بعض خطب شریفه خود فرموده اند ام هذا الذی انشاه فی ظلمات الارحام [illegible] و شغف الاستار [illegible] نطفة دهاقا [illegible] و علقة محاقا [illegible] و جنینا [illegible] و راضعا [illegible] و ولیدا [illegible] و یافعا [illegible] ثم منحه قلبا حافظا و لسانا لافظا و بصرا لاحظا [illegible] لیفهم معتبرا [illegible] و یقصر مزدجرا [illegible]

[illegible]

[illegible] حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون [illegible]

[illegible] واستوی مثاله [illegible]

[illegible]

[illegible] ما غاق غرب هواه [illegible]

[illegible]

[illegible] كالحا سعی الدنیا [illegible] فی الحیاة [illegible]

[illegible] من ورائهم برزخ [illegible]

[illegible]

[illegible] فات فی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فی غمرات [illegible]

[illegible] والذی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] وحبه و یار [illegible] و راه حق [illegible]

وصوت [illegible]

[illegible] ولو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت والملائکة باسطوا ایدیهم اخرجوا انفسکم الیوم تجزون عذاب الهون بما کنتم تقولون [illegible] رسول الله صلی الله علیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ثم ادرج فی اکفانه [illegible]

[illegible] وتفكرت [illegible]

[illegible] الولدان [illegible]

[illegible]

اساس [illegible]

وحشت الاخوان [illegible]

[illegible] ... الى ... [illegible] ... وسقطع زفرة [illegible]

[illegible] ... المسمع ... [illegible] ... ورجع المتفجع [illegible]

[illegible] ... فاحتذف حفرة ... البحث ... [illegible]

[illegible] ... الامتحان ... [illegible]

[illegible] ... واعظم ما هنالك نزل الحميم وتصلية الجحيم وفورات السعير [illegible]

[illegible]

لا فترة مريحة [illegible]

[illegible] ... ولا دعة مزيحة ... [illegible] ... ولا قوة حاجزة [illegible]

[illegible] ... ولا موتة ناجزة ... [illegible] ... ولا سنة مسلية [illegible]

[illegible] ... بين اطوار الموتات [illegible]

[illegible] ... وعذاب الساعات ... [illegible] ... انا بالله عائذون [illegible]

[illegible] ... وانا اليه راجعون ... [illegible]

[illegible] ... عباد الله ... [illegible] ... اين الذين عمروا

فنعموا ... [illegible] ... وعلموا ففهموا ... [illegible] ... وانظروا

فلهوا ... [illegible]

وسلموا فنسوا ... [illegible] ... امهلوا طويلا [illegible]

[illegible] ... ومنحوا جميلا ... [illegible] ... وحذروا اليما [illegible]

[illegible] ... ووعدوا جسيما ... [illegible]

[illegible] ... احذروا ... [illegible] ... الذنوب المورطة ... [illegible]

۲۰

[illegible] ... والعيوب المسخطة ... [illegible]

يا اولي الابصار والاسماع ... [illegible] ... والعافية والمتاع [illegible]

هل من مناص ... [illegible] ... او خلاص ... [illegible] ... او معاذ او

ملاذ ... [illegible] ... او فرار او محار ... [illegible] ... ام لا [illegible]

[illegible] ... فانى تؤفكون ... [illegible] ... ام اين تصرفون

[illegible] ... ام بماذا تغترون ... [illegible]

[illegible] ... وانما حظ احدكم من الارض ذات الطول والعرض ... [illegible]

[illegible] ... قيد قده ... [illegible] ... متعفرا على خده ... [illegible] ... الآن عباد الله [illegible]

[illegible]

والخناق مهمل ... [illegible]

والروح مرسل ... [illegible] ... في فينة الارشاد [illegible]

[illegible] ... وراحة الاجساد [illegible]

[illegible] ... ومهل البقية ... [illegible] ... وانف المشية ... [illegible] ... وانظار التوبة [illegible]

[illegible] ... وانفساح الحوبة ... [illegible]

[illegible] ... قبل الضنك ... [illegible] ... والمضيق [illegible]

[illegible] ... والروع والزهوق ... [illegible] ... وقبل قدوم

الغائب المنتظر ... [illegible] ... واخذة العزيز المقتدر ... [illegible]

[illegible] ... صلوات الله عليه ... خطبة ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از وجوهات خطبه ... که جهت تنبیه ... و تغیر و انقلاب ... و بیان ... احوال ... از اشعار ... عظمت ... علیهم السلام

کمال آن است ... خطبه صاحب بصیرت ... الان است باب دوم در بیان اصل حقیقت ایمان و شناخت معبود

حقیقی و عنوان درگاه اوست که اصل سر چشمه نجات و رستگاری است و در این باب بیان مراتب ایمان و درجات آن که

زیاده و نقصان می‌شود و در این باب دو فصل است فصل اول در حقیقت ایمان و کیفیت معرفت که فرض است در اصول ایمان

و در بیان ... آن ... و ... که ... و تفصیل ... آن ... آن جهت ... کرد ...

نجات و رستگاری ... از عذاب ... و اصل ... رحمت و معدن ... که باعث نجات و رستگاری است ایمان است ... علیهم السلام

در این مقام ... ایمان ... خدای عز و جل در قرآن مجید ... فآمنوا بالله و رسوله والنور الذی انزلنا والله بما تعملون خبیر یعنی

ایمان آورید بخدا و رسول او ... که ... در قرآن است ... خدای عز و جل ...

... یوم ... یوم الجمع ذلک یوم التغابن ... خدای عز و جل ...

... [illegible] ...

... ذلک الفوز العظیم ... ایمان آورد ... خدای عز و جل ...

... خدای عز و جل ...

... یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم ... ایمان ...

... عذاب الیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون ... تجارت ...

... ایمان آورید بخدا و رسول ... و جهاد کنید ... خدای ...

... ذلک الفوز العظیم ... خدای عز و جل

...

حقیقت ایمان ... اعتقاد ...

...

۴۷

... علیهم ... [illegible]

... [illegible]

... عذاب ... الیم ...

... خدای عز و جل ...

...

...

...

... خدای عز و جل ...

... الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان الله

علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علما ...

... خدای عز و جل ...

خدای عز و جل ...

...

...

...

... حقیقت ...

باد و ما بیان ... [illegible] ... عليه ... [illegible]

[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]

[illegible] ... قرآن و احادیث ... [illegible]

حضرت رسالت صلی الله علیه ... [illegible]

الوجود است ... [illegible]

[illegible] ... ذات ... [illegible] ... اطلاع ... [illegible]

جمیع کائنات ... [illegible]

[illegible] ... صفات ... [illegible]

[illegible] ... ذات ... [illegible]

[illegible] ... ذات ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... حضرت ... [illegible]

[illegible] ... ذات مقدس ... [illegible]

[illegible] ... ذات مقدس ... [illegible]

[illegible] ... ذات مقدس ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... ذات ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... ذات مقدس ... [illegible]

[illegible]

۲۲

[illegible] ... عالم ... [illegible]

آن حضرت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... حضرت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... رب العالمین ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ره بر علم است قدرت آنانست که عالم را با اراده و اختیار آفریده [illegible] است و هم چنین [illegible]

[illegible] و [illegible] نیست و [illegible] و هیچ چیز [illegible] نیست [illegible]

[illegible] است [illegible] و ترک معاصی و افعال او [illegible] عقل و نقل است [illegible]

در افعال او نیست و در اصول دیگر آنچه لازم است حسن اعتقاد باید کرد که خدای عز و جل معصوم آفریده [illegible]

مبعوث ساخت که از جانب او احکام خلق برسانند و [illegible] خلق [illegible] تعلیم [illegible]

عز و جل در هر عصر و زمان پیغمبری مبعوث ساخت جهت تعلیم و تفهیم احکام تا زمان پیغمبر ما محمد مصطفی صلی الله علیه و آله

[illegible] و آنچه حق است از جانب خدای تعالی آمده تا احکام الهی به خلق برساند و آنحضرت احکام رسانیده آن حضرت [illegible] افضل [illegible]

و معصوم [illegible] و آنحضرت معصوم است از جمیع گناهان صغیره و کبیره و ایمان [illegible]

و اعتقاد [illegible] آنحضرت صحیح نیست و در اصول دیگر امامت است اعتقاد باید کرد که بعد از رحلت حضرت رسول صلی الله

علیه و آله [illegible] خلافت و امامت حق حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است علیه السلام [illegible] حضرت رسول صلی الله

علیه و آله [illegible] از جانب خدای عز و جل [illegible] با حضرت [illegible] و خلافت آنحضرت [illegible]

[illegible] حضرت امیر المؤمنین [illegible] حضرت امام حسن است [illegible] امام [illegible]

معلوم [illegible] ائمه معصومین علیهم سلام الله [illegible] خدا [illegible] خلق [illegible] عز و جل [illegible] حضرت رسول

صلی الله علیه و آله [illegible] ایمان [illegible]

[illegible] معصوم [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible]

[illegible] قیامت حق است [illegible]

[illegible] کتاب و میزان [illegible]

[illegible] تفصیل لازم نیست [illegible]

[illegible] لازم نیست [illegible]

[illegible]

23

[illegible] بیان [illegible] و [illegible] آن [illegible]

[illegible] رسول [illegible]

[illegible] اعتقادات [illegible] و اقرار [illegible] خدای عز و جل

[illegible] و [illegible] دو [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

صلی الله علیه و آله [illegible] قرآن [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible] ایمان [illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible] ایمان [illegible]

[illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible] ایمان [illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible] اعتقاد [illegible] خدای عز و جل

رزق کرا داشته در زمان [illegible] است و رزق کرا داشته بر رای که [illegible] خدای عز و جل [illegible]

که داشته [illegible] از چیزی که [illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible] است که خدای عز و جل [illegible] کرا داشته [illegible]

رزق کرا داشته خدای عز و جل [illegible] خدای عز و جل [illegible] کرا داشته [illegible] خدای عز و جل [illegible]

کرا داشته [illegible] است [illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible]

[illegible] کرا داشته خدای عز و جل [illegible]

که خدای عز و جل [illegible]

رزق کرا داشته [illegible] کتاب [illegible] خدای و رزق کرا داشته [illegible] کتاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کرا داشته خدای عز و جل [illegible]

[illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible]

دا

۲۴ و [illegible] مرتبه سابقان و مقربان است و آن [illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت امام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... پادشاه ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... الا الله ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... سعادت ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... واجب ... [illegible]

[illegible] ... واجب ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

قسم ثالث سنت ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]

سلام الله علیهم ... قسم چهارم مستحبات ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

۲۵

که برادران ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... اسلام ... [illegible]

[illegible] ... حضرت امام محمد باقر علیه السلام ... [illegible]

[illegible] ... اهل البیت علیهم السلام ... ابی عبدالله الصادق علیه السلام ... [illegible]

[illegible] ... لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله ... [illegible]

[illegible] ... ماه رمضان ... رسول صلی الله علیه و آله

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... حضرت صادق علیه السلام ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... صلی الله علیه و آله ... حضرت رسول صلی الله

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... حضرت صادق علیه السلام ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... حضرت امام محمد باقر علیه السلام ... [illegible]

دیگر آنکه روایت شده در باب زکات که خدای عز و جل فرموده [illegible]
و خدای عز و جل فرموده ولا یحسبن الذین یبخلون بما آتاهم الله من فضله هو خیرا لهم بل هو شر لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیامة [illegible]
که بخل می ورزند به آنچه خدای عز و جل داده باشد از فضل خود که آن بخل [illegible] خیر است از برای ایشان بلکه شر است از برای ایشان
زود باشد که طوق شود [illegible] روز قیامت
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آن حضرت فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام فرموده است [illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امام محمد باقر علیه السلام [illegible]
[illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible] خدای عز و جل فرموده سیطوقون ما بخلوا به یوم القیامة [illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
و در باب حج خدای عز و جل فرموده ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا [illegible]
هر کس را استطاعت [illegible] ومن کفر فان الله غنی عن العالمین [illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible] خدای عز و جل [illegible] و از حضرت صادق علیه السلام منقول است

کسی که [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] رسول الله [illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام فرمود [illegible]
و حضرت صادق علیه السلام فرموده [illegible] روز قیامت و حضرت [illegible]
علیه السلام فرموده [illegible]
[illegible]
[illegible]
در باب حج [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول الله حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] آن حضرت [illegible] خدای عز و جل

26

اما بعد [illegible] رمضان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مراعات فرائض است مانند نماز و زکوة و حج و روزه و اعظم همه نماز است و شعار اسلام نماز است و علامت مسلمان نماز است

پس مراعات نماز [illegible] احکام و آداب و شرایط نماز از حضرت

امام رضا علیه السلام منقول است که نماز را چهار هزار حد است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مراعات [illegible]

دیگر مراعات [illegible] حضرت امام [illegible] علیه السلام منقول است [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٢٧

[illegible]

[illegible] حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نقل است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام

هرگاه بنماز [illegible]

[illegible] از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سؤال کرده‌اند [illegible] نماز جمعه [illegible] خطبتین [illegible] حرام است [illegible] از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقول است [illegible] خدای عز و جل [illegible] نماز جمعه [illegible] ترک کند نماز جمعه را [illegible]
[illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت [illegible]
منقول شده [illegible] در این باب [illegible] از حضرت امام محمد باقر علیه السلام [illegible]
[illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت صادق علیه السلام منقول شده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]
[illegible]
صلی الله علیه و آله [illegible]

عفیف دارد یعنی از انواع نگاه دارد و زبان خود را از انواع نگاه دارد از گناهان بیرون مرد و عفیف که از این راه بیرون مرد و دعا [illegible]

چه شکایت این حدیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده چون از انسان شرط و حضرت صادق علیه السلام فرموده [illegible]

نه همین است که روزه از خوردن و آشامیدن است بلکه تمام اعضا روزه باید گرفت زبانهای خود را محافظت کنید و چشمهای خود را بپوشانید و [illegible]

و حسد مبرید و در خود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله زنی را شنید که دشنام میداد و روزه داشت حضرت طعامی

طلبید و بان زن گفت که بخور آن زن گفت من روزه دارم حضرت صلی الله علیه و آله فرمود چگونه روزه داری و حال آنکه خود را دشنام داری

پس معلوم شد که روزه همین از خوردن نیست و خدا از انواع نگاه دارد و مشغول گفتن غیبت و بازداره باشد و استغفار و دعا

بسیار کند و آداب [illegible] عبادت و توجه و حضور قلب کند و تعقیبات بجا آورد [illegible] از جمله اعمال مراعات ایشانست

پس از اسرار [illegible] باید که حرمت دوم از واجبات عروقی است [illegible] و ترک کل ادای واجبات و مراعات

بنا بر آنکه از گناهان لعنت گناه شمرده و از اصول [illegible] پس [illegible] مراعات و اجتناب [illegible]

و این سببی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] باید که [illegible]

داشت و خدا [illegible] بنا به انواع [illegible] در باب آن که بسیار واقع شده و ثواب بسیار در ان مرتب است [illegible]

و صلوة جماعت است و در این باب [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که نماز [illegible]

نماز با مسلمانان در مسجد [illegible] حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده [illegible]

و میل جماعت [illegible] جماعت مسلمانان [illegible] واجب است [illegible] مسلمانان [illegible]

و دیار مسلمانان [illegible] واجب است [illegible] با امام مسلمانان [illegible]

[illegible] جماعت مسلمانان حاضر شد [illegible]

و بعد از [illegible] مستحبات و تطوعات را [illegible]

[illegible]

و ثواب شده [illegible] اثر [illegible] و صلی الله علیه و آله [illegible]

مقارنه جماعت و استغفار گناهان را و مسلمانه جماعه با حضرت امام [illegible] حضرت علیه السلام

نوافل مرتبه [illegible]

[illegible]

۲۹

است با شاه و بعد از فرایض [illegible] باید که بعد از جمیع مراعات مرتبه اعمال و تفصیل آن ابهام در باب فرایض باشد و

بعد از فرایض مراعات واجبات و بعد از آن مراعات سنن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بعد از آن مستحبات

و تطوعات قائل شود و از گناهان [illegible] تا توبه [illegible] و مقدار این [illegible] مقدار [illegible]

توبه [illegible] باب [illegible] چهارم در توبه و بازگشت [illegible] حضرت [illegible] صلی الله علیه [illegible]

[illegible] است و آنکه [illegible] گناهان [illegible] بسیار باشند [illegible] و [illegible] توبه است

و از بعضی حکایات [illegible] واجب [illegible] گناهان [illegible]

گناهی کبیره [illegible] واجب است [illegible] تا [illegible] گناه [illegible] و [illegible] عز و جل [illegible] از فضل [illegible]

بسیار است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت [illegible] منقول است [illegible] گناه [illegible] بنده [illegible] توبه [illegible] دوست [illegible]

خدای عز و جل [illegible] گناه [illegible] و آخرت [illegible] و [illegible] گناه [illegible]

[illegible] گناهان [illegible]

گناهان [illegible] گناهان [illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible]

چه [illegible] گناه [illegible] عذاب آتش دوزخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible] علوم ایزدی [illegible]

[illegible] خدای عز و جل [illegible]

[illegible] گناه [illegible]

[illegible]

شرح و علما در تفسیر بعضی اضافات کرده اند و اخبار و احادیث اهل البیت علیهم السلام مستغفرا ... است که بعضی از ان بوده
و ... گناهان ... بازگشت ... حضرت صادق علیه السلام ... خدای عز و جل ...
... آمده ... کتاب خدای عز و جل ... آنکه ...
... حضرت ... گناه ... حضرت امام موسی علیه السلام
... گناهکاران ... بسیار ...
... از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم ...
... گناه ... حضرت ... خدای عز و جل ...
... خدای عز و جل ... است ...
... خدای عز و جل ... ان الحسنات یذهبن السیئات ... خدای عز و جل
دوست ...
هر که خدای عز و جل ... الذین یحملون العرش ومن حوله یسبحون بحمد ربهم ویؤمنون به ویستغفرون
للذین آمنوا ربنا وسعت کل شیء رحمة وعلما فاغفر للذین تابوا واتبعوا سبیلک وقهم عذاب الجحیم ربنا
وأدخلهم جنات عدن التی وعدتهم ومن صلح من آبائهم وأزواجهم وذریاتهم إنک أنت العزیز
الحکیم وقهم السیئات ومن تق السیئات یومئذ فقد رحمته وذلک هو الفوز العظیم ...
...
...
...
...
... است ... خدای عز و جل ... والذین لا یدعون مع الله إلها آخر

ولا یقتلون النفس التی حرم الله إلا بالحق ولا یزنون ومن یفعل ذلک یلق أثاما یضاعف له العذاب
یوم القیامة ویخلد فیه مهانا إلا من تاب وآمن وعمل عملا صالحا فأولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات
٣٠ وکان الله غفورا رحیما ...
...
...
... خدای عز و جل ...
... خدای عز و جل ... از حضرت امام محمد باقر علیه السلام ...
...
...
... خدای عز و جل ...
... خدای عز و جل ...
... خدای عز و جل ...
... حضرت امام محمد باقر علیه السلام ... خدای عز و جل ...
... خدای عز و جل ...
...
... خدای عز و جل ...
... عصیان ...
... حضرت ... علیه السلام ...
... حضرت ...
... عصیان ... عصیان ... عصیان ...

فصل دوم در مقدار زمان توبه و انتهای توبه از احادیث بسیار معلوم شد که هرچند بنده توبه کند و بشکند توبه را و از گناه باز گناه رجوع کند باز
توبه و بازگشت کند خدای عز و جل توبه او را مقبول است و وقت توبه تا وقتی است که امید حیات باقی باشد [illegible]
کرده از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق علیهما السلام که آدم علیه السلام گفت یا رب مسلط کردی بر من شیطان را و جاری
کردانیدی او را در رگهای من مانند خون [illegible] پس حق سبحانه و تعالی [illegible] خدای عز و جل فرمود
یا آدم گردانیدم از برای تو که هر کس از ذریت تو اراده بدی نماید بر او نوشته نشود پس اگر آن گناه را بکند بر او یک گناه نوشته شود و هر که
اراده حسنه بکند پس اگر نکند آن حسنه را یک حسنه نوشته شود و اگر آن حسنه را بکند ده حسنه از برای او نوشته شود [illegible]
پروردگار آدم گفت یا رب زیاد کن [illegible] اگر کسی از ایشان گناهی بکند پس طلب آمرزش کند [illegible]
[illegible] آدم گفت یا رب زیاد کن [illegible] توبه را از برای ایشان [illegible]
تا وقتی که نفس برسد به حلق آدم گفت یا رب کافی است مرا حضرت صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود
که هر که توبه کند یک سال پیش از مرگ خدای عز و جل توبه او را قبول کند پس فرمود که سال بسیار است هر که توبه کند یک ماه پیش از مرگ [illegible]
[illegible] قبول کند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]

۳۱

حضرت فرمود که او را مرحمت از اهل بهشت [illegible]
[illegible] حضرت فرمود [illegible] از اهل بهشت [illegible]
[illegible] اسلام [illegible] گناهان توبه کند خدای عز و جل [illegible]
[illegible]
[illegible] قبول توبه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گناهان [illegible]
[illegible] گناهان کبیره [illegible]
[illegible] علما اختلاف است [illegible] گناهان کبیره است [illegible]
[illegible] توبه را شش مرتبه است مرتبه اول توبه از کفر است مرتبه دوم توبه از گناهان کبیره است مرتبه سوم توبه از صغائر گناهان
مرتبه چهارم توبه از ترک سنن و مکروهات است مرتبه پنجم توبه از ترک فضایل و شرایف اخلاق [illegible] مرتبه ششم توبه از
التفات به غیر خدا [illegible]
[illegible] حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام [illegible] شیطان
آمد و گفت ای عیسی [illegible]

اعتراضات این سائل مناسب این نیست آن حضرت را [illegible] الله [illegible] ام الی [illegible]

حضرت [illegible] السلام [illegible] حق عاقل [illegible] بحاملان [illegible] حضرت مسیح علیه السلام [illegible]

و [illegible] است [illegible] حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله [illegible] رسالت آنحضرت را [illegible]

ساخته بودند آنحضرت [illegible] افتاده و [illegible] آنحضرت [illegible] نمود [illegible] اخبار آمده

که آنحضرت [illegible] فصل چهارم در بیان گناهان صغیره و کبیره و اختلافی که علما را در [illegible]

است در بیان [illegible] در مقام [illegible] صغیره و کبیره [illegible] نسبت گناهان به

[illegible] صغیره است [illegible] صغیره است نسبت [illegible] کبیره

نسبت [illegible] صغیره و کبیره

و هر گاه [illegible] گناهان کبیره اجتناب کنید [illegible] گناهان صغیره [illegible]

بسیار [illegible] گفته اند کبیره [illegible] گناهی است [illegible]

[illegible] گفته اند [illegible] گناهی است [illegible]

[illegible] گفته اند [illegible] گناهی است [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

باید [illegible] گفته اند [illegible] است [illegible]

[illegible] گفته اند [illegible] و [illegible] خوردن [illegible]

[illegible] گفته اند گناهان کبیره [illegible] است [illegible]

و بعضی دیگر [illegible] حضرت امام [illegible] علیه السلام [illegible] نارا ده اذاه

[illegible] است [illegible]

[illegible] کبیره [illegible] واجب است [illegible] معلوم [illegible]

وان

وآن [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] احکام [illegible] ۳۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] واجب است [illegible]

[illegible]

واجب [illegible] واجب [illegible]

[illegible]

[illegible] واجب است [illegible]

که در آن جمله ... حضرت صادق علیه السلام منقول است ... [illegible]

علیه السلام ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... زناء و غیر ... [illegible]

... [illegible]

... حضرت صادق علیه السلام ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

والله اعلم

۳۳

و لا کبیره مع الاستغفار ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] قال الله تعالی وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ

الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

[illegible] استغفار [illegible]

مشهور است [illegible]

[illegible] حضرت رسول [illegible]

[illegible] استغفار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] موسی علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible] استغفار [illegible]

[illegible] رسول الله [illegible]

[illegible]

[illegible] استغفار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

۳۴

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت رسالت [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت رسالت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible] برسند [illegible] حضرت [illegible]
در [illegible] و قطعه [illegible] خبر [illegible] چون [illegible]
[illegible] خلیفه [illegible] حالت [illegible]
[illegible] که [illegible] چون [illegible] اطلاع یافت خلیفه [illegible]
آن [illegible] است [illegible] عاقبت [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام [illegible] حضرت [illegible] خلیفه [illegible]
[illegible] حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت رسالت صلی الله علیه [illegible]
اجازت [illegible] خلیفه [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] خلیفه [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
در [illegible] خلیفه [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] علیه السلام [illegible] خلیفه [illegible]
[illegible] خلیفه [illegible]
در [illegible] آدم
[illegible] حضرت [illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت

رسول صلی الله علیه و آله [illegible] مشغول شده [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] فاتحه [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه
و آله [illegible]
رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] حضرت آدم [illegible] علیه السلام [illegible] آدم
[illegible] آدم [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
ولا تقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین [illegible]
[illegible] درخت [illegible]
[illegible] آدم [illegible] درخت [illegible]
[illegible] الظالمین [illegible]
[illegible] آدم [illegible]
[illegible] آدم علیه السلام [illegible] حضرت آدم
[illegible] حضرت آدم [illegible] آدم [illegible]
[illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]

گروهی گویند بهشت از آسمان بود و خواست که او را بدان راه دهند بهشت داخل ساخت و بر جمیع خازنان بهشت مطلع شده
و مار از جمله درشکلان بود در راه او با طاوس بهشت و از جمله خازنان بهشت بود و چون ابلیس نتوانست داخل بهشت گردد آدم سلطنت و دوسه
روا بداند بهجت شادی که حضرت آدم را تحت دولت نشسته بود و حوا را فضل داد و وی که حضرت بسته بود انواع نعمت و حضور
حاصل گشته بود و هم بهشت را اهل آن که در زمان حضرت آدم علیه السلام گرفت او چون عجب این بهشت را فلک او بود آن آنکه
از سال اول او بود او ابلیس این بخت گفت و انسته شکل صورت بسیار او حضرت آدم آمد و در مرادی که اسکان و احکام و فرمان
بالسنه حضرت آدم و حوا نظر او افتاد و برسید که چه کس بودند و ابلیس گفت که جد را بیان نمی تو آن است نگاه و بر حال نزول است
سنا و نه ملکم از آن جهت ما گشته و ازین نقاب سا و دولت شاد و مزدوره و گفت ای نعره رسیده که معاون شاد و هم الفنده ملک که از
رسیده و دولت شاد و از انتقال یافته حضرت آدم علیه السلام از این کلمات و حسرت اکبر عظیم افتاد ابلیس چون دید از تعبیر او نیز گرفت
بلی بطمع گفت هل ادلک علی شجرة الخلد چون رسی از آن بر درخت علی آن را بر درخت گفت که ما کم ای چند آن خانه که علاوه داشت
و در آن منزل الهی و علی داشت از آن بالی انگاه آدم و حوا از آن درخت گفت آمد که درخت منهیه از آن است نخورد و پس مار خواهند
این نوع شده ابلیس قسم یاد نمود از هر حال را ما نهی کرده درخت آن درخت منهی حبه دو ما علا کلمات ابلیس شده فرمی کلام ابلیس
و حضرت آدم علیه السلام از آن تناول نمود و حیا کرده است که اندیشه اشیا و هیچ کنامل کرده و حضرت معصوم انبیا و حمزی خوا آن ثوب علی از آن غلام در سیل
آدم خود را در کلام آدم علیه السلام ساخته ما گر الحق خورد اما ما از اعلام پرسیل است او حسبت او با ... و حامی ملوک حالت القصه بعد از خوردن آن انسانی اکل
تاج از سر افتاد و خرقه ایشان در افتاد و حلل و حلها بهشت از بدن ایشان برکنده بر هنر ماندند و کلاه خود را خود در نظر اوسته کاتب حوا در درخت
گرفت سنته از ایشان دور شد و از هم ملک در گرفت از آن یافته آدم از عطات برهنگی روی و شرمساری از آن برفت ناگاه خطاب
و در رسید از اما ملکم آدم علیه السلام در جواب گفت الهی حیا میکنم یا رب الهی از حضرت تو که اعلام است سیاه جهان و رسمی
حوصله خود داشت که با تنبیه رکه الم ترا و حشت نمود و فرمان رسید که از بهشت بیرون روید آدم دست حوا را گرفته از بهشت
بیرون آمد و جبرئیل علیه السلام گفت و دست از حوا باز داشت از این جا و کلی ما بعد از آن آدم دست حوا گذاشت و هر یک از یک طرف
نهادند و آدم بسیار گریه کرد و افتاد و هرچه ما در مسکن که از افتاده و شکال بسیار کشیده و در حال ایشان سیار است حضرت آدم علیه السلام

افتاد

افتاد و در خارج بهشت بود و هفتم آسمان فرود تو بینی از این ما به بعضی را هم ما گزیده دیگر آدم و سپس است ما حکمی بعضی از حیات ما گفت ولکم فی الارض
مستقر ومتاع الی حین و حضرت آدم که در ایشان شهادت از آنکه تمام در زمین شادی که به هند و بستن جعل ما بگیرد از ما در قصبه آدم و ما وند
گویند آدم و حوا در بهشت به هند آمد یا در افغانستان و بیابان است از این خاص متولد است که ما آدم با بهشت صلاح و جوش شد فتلقی
آدم من ربه کلمات فتاب علیه پس از آن است آدم را بخاطر پروردگار خود را بخش جمعی بخش چند گفت دو مراد و در خارج خود طلب
توبه داد و قبول از آن ما به بعضی گویند که این بود که ربنا ظلمنا انفسنا تا آخر آیه و بعضی گویند کلمات که الفنا اند و آن
کدو بعضی گفته اند که حضرت آدم سیصد قول بهشت حیا و این دو عا امان بر سر گردی اسماء الحق گفته اند که حضرت آدم علیه السلام
سیصد سال گریان گشته و در آن حیا و خلاصت از جهت و بستر ضلال کناه و از حوری خورده بود او در خارج آمد و از ادامه کنند از تمام اهل
و ما را نسبت و هند از حضرت داود علیه السلام آبادی شهر بیگمز داد از بعد از ظلم و از حضرت داود علیه السلام را نسبت دهند از
حضرت نوح علیه السلام از حضرت نوح علیه السلام بیشتر گریه داد از بعد از آن که حضرت آدم علیه السلام نسبت دهند از حضرت آدم علیه السلام
بیشتر گریه گفته اند چون حضرت آدم علیه السلام به بیابان آمد دویست سال گریان است و چهل روز طعام و شراب نخورده صد سال با حوا صحبت
نکرده و ما گریه بود از شوق نمود و اخبار اهل است که آدم علیه السلام چون آمده او چون خوار شد آدم را سا از تنشست او را علم شد خوار حوا
او را اعلم ساخت الحق که به تخار نطفه او الحق بر علی است و ما ملک خلقتک خوار او رحمت کناه و در آن جهت آن گرده
حضرت آدم در ساق عرش نظر کرد مشرفا دید و شعاعها از نور در صورت شد و نام هریک در بالای هر نام ذکر محمد علی و فاطمه و حسن
و حسین دید آدم گفت خدایا این ها کیستند از هر صورت که خلقت آدم بود فرمود گفت ایشان کسی اند که تو را از زمان تو آمده و از جانب ایشان اعلام
نزول آدم کرده گفت ما رضا و ما از این حضرت کلمات بر وی گفت ای آدم این بهانه را بگیر تا در وقت در مانده که از ما شکی ما نکرد با نوازش
و هم آدم این ها بیاد گرفت چون از ترک منصب او خواست از ما توبه کنند و سئوال آن تو اب و سنه و از بیان ظهر
حق ایشان ما گفت او طلب توبه نمود و بعد از آن دعا از برکات جبرئیل علیه السلام نازل شد و کلام علو در فرمان رسانید حکایت سیم
در باب گفت و آن ابتدا زوج علی حسن ایشان شد وجه سبب کبر او بود العفو الغفار انه تقابه گفت البرده هم
که صد ساله طیر بود که از جهت بعضی سلاطین و ملک بهره کشته بود جهت آن ما پیدا شد از ملوک ستمکار از این شد و دیگر

از جانب خراسان بجهت تسخیر اخبار آمدن سه جمعیان موجه عراق آمده و اشاره از راه مشهد مقدس حضرت امام علی بن موسی الرضا
علیه و علی آبائه التحیة و الثنا رسیده و شرف زیارت روضه منوره آنحضرت مشرف گردیده بی اراده در حضور اعلی اصحاب و علما و طلبان
قبول نموده و استعداد کمال ایشان بسبب جمعیت اجتهاد حسن و طلب حوائج و مرادات از حضرت حق تعالی و توسیله و بر فتوح
آنحضرت خواستن بصلاح رسانیده اتفاقا در آن شب جمعه از جنابات المرسل آگاه و خاطر خواه ایشان پادشاه عالم پناه بسبب
جلب ظلمه و زنادقه و آئین رطلب شفقت و شهوت و عصیان الی اصلاح سپاه و رسالان و لشکر سلطان یار وجود
عنفوان جوانی کار ار شد و میل شهوات نفس خطاب ما ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبة نصوحا عسی ربکم ان او خراه
نوکرشده کلام غفر الله لهم و از زبان جواب بشکت گفته گفت بر است بسته برایام ماضی از سر عزّ انقضوه و دار
دار و دستور داران در مقر تفرد در عهد حضرت باری اراده صلاح نموده دو حضرت امام علیه السلام او است
صدر جهان که زمان تاریخ نامعال گویا است چهل سال است که روز خود رسته تا بحث در تاریخ مانده که امری از حس شرطات
ایشان با وجود اعلام است که در هم مرد مان از ظلم و زنادقه و طغیان و گناه و عطا و عصیان و شرب شراب و فسق مسلمانان
گرامی است از طبع اعطاف حضرت ظالمان گرا و ده عاصیان را سپاه تقدحیلت سلطنت و جاه سلاطین شرعی است
نمودنها مان عالم پناه از کل طرح صعودی و حافظ نام عطفی گرده اما شاد برتر از جمله نواب گرفته با مناقب راه خدا و ده
شرع مطهر و صحابت لواتی بشد از دست نباشد و هم دولت ثبوت در صحنه و از زنده و مسابقت المرحم افعال الهی حکایت
فاسد گی ظاهر آورده بود و مشهور و مغلوب طعامی دو نابود شده صاحبان کسته گرا از آن در شاه ما بعث ده حضرت آن ارباب کی ظالم
گرده هر دو ان زمان که آن حضرت برنشد و در سرت گشت احکام و دار این جمع جاهلیت گرده شرف صحرا مانند صحیح شرعیات
و حسب الطلب در فت مسانند و اسباب عیش و طرب و آلات مناهی و ملاهی از ماهم شکسته و هم همه را از شرب شراب و قماربازی
بلک و لوازم و وباقی مسکرات منع بلیغ کرده در علما و متوطنان علما را در نام علم قضا و اسلام بودند از جمیع قبایح و مناهی توبه دستنیده
و هر که بود در جمیع مساجد مردمان معمول گشته گرداند امام از خدمات دین داران کل فسق اسلام و تعلیم ساخته دارد و رسولی از خلاف شرعیات
مطهره در آن مشهور تنزل گرده شرع منور شده اول الی ابراز آنجا بواسطه و تعبیر مردمان جمیع جاهلیت کرده شرف توبه مشرف شده

۱۱۰

و کواکب عبادت و نماز روزه و حج حاوات از زکوة منور وضیا افکنده و از آن مردم که بکلی شاهی تو بوده اند بعضی از هم قبیل
دخو شهرها دل ظاهر و برنمونه شده و آن سعادت برکت آن پادشاه و نماز شده و بعضی از ترس سیاست شاهی و خوف تهدید
و مستی و ارذلی و از ساساتی و غیره در نو بعد از توبه جون سبب اسباب فسق و فجور دست فرماید و از کسی مخرج رسید آورده وجه
نعمت خان و دست بیل نیست از آن اخراج نموده و ولات طبیعت ایشان ارایه برطرف شده و دولت احکام امثال از معلوم که پادشاه
بالطبع نفاست را داده اند بود اول پشیمه راست و همگی از طایفه سلطان عاطفت و احسان آن حضرت مطلوب و شه و معلوم است
و دو این سیادت و سلطان و صلاح النعالی باشد و انا امر ظله ان ارکم عند الله اتقکم ادانسته اند و حرمه است صلاح برآمده
و در این ست محلات و ساجات طالب یافته با طاعات و حسن رفاعات از علما و مردمان سلاطین ماضی موقوف گشته اند اشان
شرعیات را به صلاح و فالق و عبادت کشیده اند و مسیله شاه سه و زمره متوسلان جمله دی الحال اول شو تنده از طاعات
و امور است ظلم و بعد از آنده دو جهل وهم مطلق بطاعت و عبادات اوقات گذرانیده بود لا فسق و فجور را جناب
نموده از عبادات و باطراف ره یافت و ظلمت عصیان و گناه خوشه در اوضاع این دولت ابد و استعداد نموده برطرف گرد
نعمت در امور خیر و سیاست منحرف شده بود و مستعد گشتند این بزرگ تر و دو جهان پادشاه بوده دو ارباب جهانخوان این شیوه
پررکت بوده و کلا ملازمان آن حضرت یافت این گشته از آن قدر املاک و اسباب و خانه و رباع و علما و مسالکی را اصحاب علم
و تقوی از زمان سلطنت خاقان فردوس مکان صاحبقران شاه اسمعیل انار الله برهانه تا مطلع ظهور این شاه شکوه نبوده
تقدیر از فقرا و مساکین گرفته بوده ان حضرت مطلع ران گشت که تا آنکه از آن رسانیده و ادا مرده دیوان شاه مرجع شده بوده ازو
املاک و غیره را از املاکی که علما بوده و رسانیده و از آنجا که ارباب رسانیده بوده از انجا که کسی ظلم و زنادقه و غیره عرض احکام شده
بوده و امدادی از اهل علم و طلاب صحیح تر از آن غافلان اصحاب نموده صحبت عمل کرده اند این ظلم که کلام موجب فتح غلبات احوال
و ما فات حسنات الحضرت گشت تا سبب رفاهیت حال و حکمی در فقرا و مساکین و نفع علما و متوطنان علما را رعایه می نمایند
همه صاحب الی و ابدی ظلم را دفعی نطق کشیده در زمان او جمیعات نوشته و کلا که تعلیم نواهی و بطلان با ساز و دوم
حرمت در قانون مالک شد و مه معافات دو فروغ الحکم آورده و فقرای بر سال حضرت نزد ایشان از فقرا و متوطنان و طلبه علم

غیر از اینکه این شاه زمره در مرز مازندران نمیبایست
م

و حفاظ و حمود مال و ملک مشرف و ممنون شود [illegible] الاقسام من محمد و طاهر [illegible] و خارج آن [illegible] ادات علما
و صلحاء [illegible] و [illegible] ملک [illegible] شرف گشت [illegible] انعام [illegible]
[illegible] آن حضرت
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible]
[illegible] لقمان [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] جل جلاله [illegible]
سلطانی [illegible] حضرت [illegible] و صلاح [illegible] برکات
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] العباد [illegible] لقمان [illegible]
[illegible] ذوالکفل [illegible] لقمان [illegible]
[illegible] العبادت [illegible] لقمان [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] لقمان [illegible]
[illegible] ذوالکفل [illegible]
[illegible] لقمان [illegible] لقمان [illegible]
عبادت [illegible] ذوالکفل گفت ای لقمان [illegible]
[illegible] لقمان گفت [illegible] ذوالکفل [illegible]
[illegible] ای لقمان [illegible]
[illegible]

۳۸

تو اینست که خدای [illegible] لقمان گفت [illegible] ذوالکفل گفت خدای تو خدای
آسمان و زمین و آفتاب و ماه و ستاره و ثوابت و سیارها ای لقمان از خدای [illegible]
[illegible] لقمان گفت [illegible] ذوالکفل
گفت [illegible] عبادت [illegible] لقمان گفت [illegible] ذوالکفل گفت
[illegible] عبادت [illegible]
[illegible]
[illegible] لقمان گفت [illegible]
[illegible] عبادت [illegible] ذوالکفل [illegible] لقمان [illegible]
[illegible] عبادت [illegible]
[illegible] ذوالکفل گفت [illegible] لقمان گفت [illegible]
[illegible] ذوالکفل [illegible]
[illegible] لقمان [illegible]
[illegible] لقمان [illegible]
[illegible] عبادت [illegible]
[illegible]
[illegible] لقمان گفت
[illegible] لقمان [illegible] ذوالکفل [illegible]
[illegible] لقمان [illegible] سلطنت [illegible]
[illegible] لقمان [illegible]

سوال کرده چون از او ازین مخالفت [illegible] آمده گفته آن شخص را مخالفت [illegible] باوجود شده و اورا [illegible]
ذو الکفل [illegible] لقمان در [illegible] شده [illegible] لقمان گفته [illegible]
از [illegible] خود [illegible] طلب لقمان [illegible] لقمان در [illegible] عبادت [illegible]
و [illegible] مشغول است [illegible] لقمان [illegible] لقمان [illegible]
[illegible] است [illegible] و [illegible] آفتاب
و [illegible] آورده [illegible] طلب [illegible]
[illegible] کتاب [illegible]
[illegible] اصحاب [illegible] حالت [illegible]
[illegible] ذو الکفل [illegible]
[illegible] ذو الکفل [illegible] لقمان [illegible]
لقمان [illegible] ذو الکفل [illegible] لقمان [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] ذو الکفل [illegible]
[illegible] ذو الکفل [illegible]
[illegible] مقام [illegible] اصحاب
[illegible] لقمان [illegible] کتاب [illegible]
[illegible] داود [illegible]
[illegible] اصحاب [illegible] ذو الکفل [illegible]
[illegible] لقمان [illegible]
[illegible] کتاب [illegible] کتاب [illegible]

٣٩

[illegible] ذو الکفل [illegible] ذو الکفل [illegible]
[illegible] ذو الکفل [illegible] لقمان [illegible] ذو الکفل [illegible]
[illegible] اصحاب [illegible] حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت رسالت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible] حضرت [illegible]
صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] استغفار [illegible]
[illegible]
[illegible] ان الله غفور رحیم [illegible] اهل اسلام [illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] حضرت رسالت صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible] حضرت صلی الله
علیه و آله [illegible]

سلکم [illegible] ایشان [illegible] پاک [illegible] ایشان [illegible] و
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
آنحضرت [illegible] آنحضرت [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] کعب بن مالک [illegible]
[illegible] کعب بن مالک [illegible]
[illegible] کعب بن مالک [illegible]
[illegible] کعب بن مالک [illegible]
[illegible] رسول [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] مسجد [illegible] آنحضرت صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] آنحضرت [illegible] بشارت [illegible]
آنحضرت صلی الله علیه و آله [illegible] آنحضرت آمده [illegible] در مقابل آنحضرت نشستم آنحضرت [illegible]
[illegible] گفتم یا رسول الله [illegible] رسول خدا آنحضرت صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] بعد از ان آنحضرت این آیه را خواند وعلى الثلاثة الذين خلفوا حتى اذا ضاقت عليهم الارض بما رحبت وضاقت عليهم
انفسهم وظنوا ان لا ملجا من الله الا اليه ثم تاب عليهم ليتوبوا ان الله هو التواب الرحيم [illegible]

40

[illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] آنحضرت
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] یا رسول الله [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]

تم

باب پنجم در ذکر بعضی اخلاق شریفه حسنه و ملکات فاضله که باعث شرف و علو انسانست و از ملوک و سلاطین خصوصا ضروریست
و ذکر بعضی اخلاق ذمیمه که احتراز از آن لازمست چون تفصیل جمیع مباحث اخلاق و ذکر اجناس و انواع خلقها و اسباب حفظ صحت نفس
و ازاله امراض آن و بیان علاج هر خلق بد که و به بسیار بطول می انجامد و باعث آن میشود که از غرض کتاب بیرون رود لهذا بر ذکر بعضی
اخلاق که از ضروریات است درین باب اختصار نمودیم و آن مباحث را در ضمن چند فصل مرتب ساختیم فصل اول در ذکر فضیلت عدل حق تعالی
در قرآن مجید فرموده إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ
يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ یعنی بدرستی که خدای عز و جل امر میکند بعدل و نیکوکاری و صله رحم کردن و عطا بخویشان کردن و نهی
میفرماید از گناهان رسوا و منکر و ظلم موعظه میکند شما را که شاید متذکر شوید و خلاصه این خطاب شریف آنست که حق عز و جل [illegible]
[illegible] و ظلم و ستم و هر نوع شفقت و عدل و احسان میخواند و از جمیع افعال و اقوال منع میفرماید و هر کس این مأمور [illegible] ملوک
و حکام که اختصاص ایشان بحکم عدل بیشترست و سؤال کردن ایشان از قیامت و ترک ظلم فرمودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر حاکمی که برعیت خود رحم نکند خدای عز و جل بهشت را بروی حرام گرداند و از آنحضرت منقولست که هیچ حاکمی نیست با رعیت ظلم
خیانت کند الا که خدای عز و جل بهشت بروی حرام گرداند و از آنحضرت منقولست که خوارترین خلق نزد خدای عز و جل کسیست که والی امری از
امور مسلمانان شده باشد و میان ایشان عدل بکار نبرده و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که اول کسی که داخل جهنم میشود
حاکمی است که در [illegible] عدل نکرده باشد و صاحب ثروت و مالی که حق آن مال را نداده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که روز قیامت می آورند پادشاه ظالم را و [illegible] هیچ بابی [illegible] هیچ [illegible] پس انداخته میشود در جهنم [illegible]
میکرده و [illegible] پس در قعر دوزخ [illegible] میشود و از آنحضرت منقولست که دوست ترین مردم بخدای عز و جل در روز قیامت
و نزدیکترین ایشان بخدای پادشاه عادلست و مبغوض ترین مردم بخدای عز و جل در روز قیامت و سخت ترین عذاب [illegible] پادشاه
ظالم است و از حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة والسلام منقولست که آنحضرت فرموده که حق رعیت و سلطنت آنست که بدانی
که ایشان رعیت تو شده اند بجهت ضعف ایشان و قوت تو پس واجبست که در میان ایشان عدل بکار آوری و بوده باشی چون پدر
ایشان مهربان و ببخشی نادانی ایشان را و تعجیل در عقوبت ایشان نکنی و شکر کنی خدای عز و جل را بر این قوتی که بر ایشان
داده [illegible] که از جهت پناه ایشان هیچ صفت [illegible] نمیرسد بعدل [illegible] فایده است اول آنکه باعث خشنودی و رضای خدای
عز و جل است دوم آنکه باعث درجات و مثوبات و دعای [illegible] رعایا [illegible] و خلاصی از عذاب [illegible] است سوم آنکه شکر [illegible]

دیگر صفت انصاف با رعیت و لطف و مهربانی [illegible] خدای عز و جل می‌شود و باعث طول عمر و طول [illegible] می‌گردد و [illegible]
عدل از ایشان بوده ایام دولت ایشان ممتد بود و نسل ایشان خوش‌تر و عمر ایشان درازتر بود و سلطان سنجر [illegible]
بزرگ بود و نیکویی بسیار کرد و [illegible] سال [illegible] برادران [illegible] بود و چهل سال [illegible] به استقلال [illegible] معموره عالم [illegible]
روا بود چهارم آنکه رعایا و زیردستان امانتی‌اند که خدای عز و جل نزد پادشاهان سپرده و بر ایشان لازم است که حفظ امانت کنند
[illegible] از حفظ امانت بیرون آمده باشند پنجم آنکه عدل باعث نام نیکو و ذکر جمیل می‌شود [illegible]
[illegible] و هر کس او را تعریف و توصیف می‌کنند و به دعای خیر یاد آوری می‌کنند و مدح و ثنا [illegible]
و زیردستان بر خلاف پادشاه ظالم که همیشه او را [illegible] یاد می‌کنند و لعن و نفرین می‌کنند چون ضحاک و حجاج ششم آنکه [illegible]
و دعاگویی رعایا و زیردستان و سایر مردمان می‌شود و دعا [illegible] هرگاه کسی را [illegible]
[illegible] ایشان مستجاب خواهد بود [illegible] اگر پادشاه ظالم باشد خلق عالم [illegible]
[illegible] خواهند کرد والبته [illegible] مستجاب خواهد بود خصوصاً مظلومان که دعای ایشان رد نمی‌شود [illegible]
[illegible] مظلوم [illegible] حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرموده اتقوا دعوة المظلوم فانه یسأل الله حقه
والله سبحانه اکرم من ان یسأل حقا الا اجاب یعنی بپرهیزید از نفرین مظلوم که او از خدای عز و جل حق خود طلب می‌کند و خدای عز و جل
از آن کریم‌تر است که [illegible] و او اجابت نکند هفتم آنکه [illegible] و برکات عدل [illegible]
[illegible] احوال بنی امیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]
و هرگاه [illegible] پادشاه معمور باشد [illegible] و این باعث دوام دولت [illegible]
[illegible]
[illegible]
کنند و از احوال مملکت خود باخبر باشند [illegible] رعایا و زیردستان ظلم رود [illegible] رعایا و زیردستان

متفق

42

متفق و [illegible] و چون [illegible] رعایا [illegible] باشند خزانه و لشکر [illegible]
دشمنان اطراف [illegible] پادشاه [illegible] دشمنان [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] دشمنان اطراف [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امیرالمؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

از دور در بیابان صحرا سوادی دید [illegible] خیمه [illegible] در بیابان صحرا زده گفت مهمان خواهید بیرون آمد و عنان اسب
او را بگرفت و او را فرود آورد و قدری شیر آورد و ماحضری پیش آورد تا قباد تناول کرد و ساعتی بیاسود و خواب بر وی
غلبه کرد و چون از خواب درآمد شب نزدیک بود هم آنجا مقام کرد و چون نماز شام شد ماده گاوی چند از صحرا برسیدند آن
زن دختری داشت [illegible] در غایت کیاست و نهایت ملاحت آن دختر را گفت برخیز و قدری شیر بدوش [illegible] پیش مهمان
بنه برخیز آن دختر برفت و از آن ماده گاو شیر بسیار بدوشید چنانچه قباد را از آن عجب آمد گفت این جماعت [illegible]
[illegible] در این صحرا نشسته اند و هر روز چندین شیر از ستور میدوشند اگر در هفته یک روز شیر از ستور [illegible] السلطان دهند [illegible]
هیچ [illegible] نیابد [illegible] پس با خود قرار داد که چون به دار الملک رود [illegible] چون شب
بگذشت و نسیم سحر [illegible] ماده گاو [illegible] که برخیزد [illegible] دختر برخاست [illegible] فریاد کرد و گفت ای مادر
برخیز [illegible] که پادشاه نیت ظلم کرده است قباد گفت سبحان الله این کودک [illegible]
برخیز [illegible] گفت قباد [illegible] گفت [illegible] که پادشاه نیت ظلم کرده است گفت
هرگاه که پادشاه نیت ظلم کند [illegible] برکت از همه چیز برود [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] اثر آن به همه جهان برسد [illegible] قباد گفت [illegible]
[illegible] شیر بسیار [illegible]
گفت که هرگاه [illegible]
[illegible] عدل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و در کتاب مذکور [illegible] حکایات [illegible]
[illegible] عدل [illegible] ظلم [illegible] کلمات [illegible] امیر المؤمنین [illegible]
[illegible] العدل [illegible]
و فرموده العدل حیاة [illegible]
[illegible] و فرموده العدل [illegible] الحکم [illegible] و فرموده العدل [illegible]

[illegible] و فرموده العدل [illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] هرگاه عدل [illegible]
[illegible] و فرموده الظلم [illegible]
[illegible] و فرموده الظلم [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible] العدل نظام الامرة [illegible]
[illegible] و فرموده الظلم [illegible]
[illegible] و فرموده الانصاف افضل الفضائل [illegible] الظلم [illegible]
العدل [illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] و فرموده الظلم [illegible]
[illegible]
و فرموده امام عادل [illegible] یعنی پادشاه عادل [illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] و فرموده الظلم [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] و فرموده السلطان الجائر [illegible] یعنی پادشاه ظالم [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] و فرموده العدل [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible] الظلم [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]

العدل میزان الله فی الارض ... [illegible] ... یعنی عدل میزان خداست [illegible]
پس مخالفت خدا کرده [illegible] در حکم [illegible]
[illegible] و فرموده ان السلطان [illegible]
یعنی پادشاه [illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible]
[illegible] و فرموده [illegible] قواعد العقل [illegible] معالم العدل
[illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible] و فرموده [illegible]
[illegible]

[illegible]

زمین [illegible] را غصب کند و ظلم [illegible] گفت فرمان پادشاه راست پس فرمود [illegible] آمد و دادخواهی کرد و آن
[illegible] در حضور امرا گواهی داد [illegible] فرمود [illegible]
[illegible] ظلم [illegible] نوشیروان [illegible]
[illegible] ملک [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] کرد [illegible]
[illegible] ظلم [illegible] گفت
[illegible] و حکایت [illegible] عادل [illegible] گفت [illegible]
[illegible] گفت [illegible] ظلم [illegible] گفت [illegible]
[illegible] خود [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] ظلم [illegible] گفت [illegible]
[illegible] ظلم [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] گفت [illegible] حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله [illegible]
[illegible] پس [illegible]
[illegible]
[illegible] ظلم [illegible] گفت [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] امیر [illegible] پس [illegible] گفت [illegible]
[illegible] حکایت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible] پادشاه [illegible] ظلم [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]

عدالت [illegible] بنده از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقلست که آنحضرت فرموده که هر که والی امری از امور مسلمانان شود و در بر خود در
ضعیف و طالب حاجت ببندد [illegible] حاجت و مطالب او نرسد حق جل و علا در رحمت خود [illegible] ببندد در روز احتیاج
[illegible] و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده [illegible] بسیار [illegible]
آنچه [illegible] و اگر [illegible]
در [illegible] و حکایت آورده اند که بعضی [illegible] نوشیروان [illegible] سوال کرد [illegible]
وزیر گفت [illegible] ضعیف [illegible] احوال [illegible] پادشاه را
[illegible] کلام [illegible] نوشیروان گفت [illegible]
کار شکستگان [illegible] وزیر گفت چون [illegible] و سوال [illegible]
در ملک و ولایت [illegible] ضبط ملک [illegible]
[illegible] احوال [illegible] نوشیروان فرمود [illegible]
[illegible] ضعیف [illegible] نوشیروان [illegible]
[illegible] ضعیف [illegible] ضعیف [illegible]
نوشیروان چون ضعیف [illegible] گفت [illegible]
[illegible] نوشیروان [illegible] تخت [illegible]
[illegible] فرمود [illegible]
[illegible] حکایت آورده اند که [illegible]
گفت روزی در اثنای سفر [illegible] پادشاهی [illegible] گفت
[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

خطا داد گفتند که اگر حس سمیع با طلعت حق جلوه‌ها برکت عدل و انصاف و دین را نفس و عاطفت مرحمت شاهانه را
در این عرض دیده ملک گفت خشنود شدی گفت غلط افتاده است من بر حس سمیع بیکیم فرو رفته و در ذکر هاتف وجود
تنها جمله جوارح و اعضا خواهد بود و در بطلان بعضی تکرر شد و بقوات بکار آنکه اجزا آن هم نخورد لیکن حضرت پادشاه که بیکیم را از
مظلوم برای استعانت فرود کند و داد خواهی او از دل شنیدم و در انصاف او سعی نتوانم نمود پس ندا فرمود و داد گر
ملک چین ندا کنند که هر کس جامه سرخ پوشد مظلوم است [illegible] او را داد و در جمله [illegible] مظلوم است و در انصاف او کوشند
و بدانید و دانسته که رعایات قانون معدلت چنانکه شاید

چنانکه شاید [illegible] جز صورت [illegible] اول الملک [illegible] حب راحت و فراغت و اساس [illegible] که [illegible]
باب راحت و عیش و فراغت است [illegible] طاعات با کشیده و در [illegible] انواع [illegible] شود
[illegible] بالمکاره و حفت النار بالشهوات [illegible] و تحصیل [illegible] است و [illegible]
[illegible] و حصول [illegible] و فراغت [illegible]
[illegible]
و [illegible] و واجب [illegible] و [illegible] تا محافظه [illegible]
[illegible] ارباب مناصب [illegible] و تحقیق [illegible]
و بار راحت و فراغت [illegible] سیاست [illegible] و آداب [illegible] و ظالمان [illegible]
[illegible]
[illegible] راحت و فراغت [illegible] صفات [illegible]
[illegible] راحت [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
غافل [illegible] و اصلاح [illegible] غافل [illegible]

و چون خطا [illegible] و خلاف [illegible]

[illegible]

[illegible]

بخواب دولت ... [illegible]

... [illegible] ... احوال ... [illegible]

... [illegible] ... پادشاه ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... پادشاه ... [illegible]

... [illegible]

داروفروشان را بود و ... هر چه ... شنوند خبری آرند تا ... از احوال خبر ... پادشاه و نشسته خانه را از خبر

حادثات ... [illegible] ... بسیار ... [illegible]

و عیاران ... پادشاه ... [illegible]

... [illegible] ... قصه ... [illegible]

... [illegible] ... پادشاه ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... پادشاه ... [illegible]

... [illegible] ... پادشاه ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

بهانه ... [illegible]

سخن ... بغداد از همه شهرها بر قاضی القضاة ... گفتم او مردی عالم و حاکم است و پادشاه خون و مال مسلمانان ... [illegible]

واعتماد ... حال ... خیانت ... بر قوم ... قبول ... [illegible]

بخانه او بردم و ... بیت ... بردم ... اسلام ... [illegible]

... و چند سال ... [illegible]

... سال ... [illegible]

... آمدم ... [illegible]

بغداد بودم ... سال بغداد آمدم ... قاضی ... [illegible]

گفتم ... [illegible]

او ... گفتم ... [illegible]

... [illegible]

... جواب ... [illegible]

... [illegible]

... جواب ... گفتم ... [illegible]

... [illegible]

... قاضی ... [illegible]

... قاضی ... جهان ... [illegible]

... جواب ... قاضی ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

بالی

48

تا بنویسم ... و دل ... [illegible]

آمدم ... [illegible]

... قاضی ... عضد الدوله ... [illegible]

... قاضی ... [illegible]

چون ... احوال ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... عضد الدوله ... [illegible]

... عضد الدوله ... [illegible]

... گفت ... [illegible]

... گفت ... [illegible]

... عضد الدوله ... [illegible]

عضد الدوله ... احوال ... عضد الدوله ... [illegible]

... گفت ... [illegible]

... [illegible]

... قاضی ... احوال ... [illegible]

... [illegible]

... قاضی ... [illegible]

زمره علما ... الفاف او باشد و امروز در بغداد دو ناحیت ... ضیاع و عقار و باغ و بوستان و مستغل
و سرایها ملک دارد و تجمل و ضیاع ... را خود ... معلوم است که این همه ... اوان ... ها ... که آن
ساخته ... درست گشته که این همه از مال مسلمانان ساخته است پس ... از ... گفت ... کردم و
... بکشم ... تا ... خویش ... بر ... از ... او ... شهر اصفهان ... عمل ... کسی ... ش
... تا ... اصفهان ... که ... طلب کنیم پس ... در ... جامه ... داده ... دب
او ... اصفهان ... پس ... عضد الدوله ... که ... چاره ... تا ... قاضی ... کم
با ... گفت ... سلطنت قاضی را ... حال ... شود ... بیاید ... رو ...
درست ... حال ... عضد ... و قاضی ... [illegible]
و این ... اطراف ... قاضی ... و ... خویش ...
چون ... قاضی ... صاحب ... گفت ... و ... ملک ...
... این ... چون ... ماه ...
وقت ... عضد الدوله ... قاضی را ... و ... گفت ای قاضی ... گفت
ملک ... گفت ... خواب ... دنیا و
دنیا ... ملک ... از ... و ...
... از دست ... است ... نشست ... از ...
حق ... گفت ... ملکت ... چاره ... امروز ... نامه
ارنلک ... که ... جهان ... بکشند ... گفت ...
و ... گفت ...
گشت ... عضد ... الله ...

مقصود من ... گفتم تو ... برای ... و ... از ... [illegible]
... تا ... خویش ...
... ملک ...
... دینار
... دینار ... و ...
... ملک ...
... خانه ... خویش ...
... از ...
... و ...
... ملک ...
... دینار ... و ... عضد الدوله ... قاضی ... دولت دینار است
... قاضی گفت ... ملک ...
... عضد الدوله ... گفت ...
... قاضی گفت ... ملک ... دولت و دینار
... ملک ... گفت ... دولت ... دست
... ملک ... حکم ...
... ملک ... امر ...
... عضد الدوله ...
... عضد الدوله ... گفت ... ملک ... اعلم ...

فرموده بود و کار گشت عضد الدوله گفت چنین خواهم کرد انشا الله او را کار بجای آید که گفت از محمد و خلافت او اول ارادت

مهم فارغ کرد و از تو ما تو گفته ام آنرا از نیشابور انجام داد و از جمله الغنائم هزار هزار و بعضی هزار درم شده است از زر و جواهر و

ما بعضی هزار دینار داد و مردی باید و خوشی جامه و موزه و غیره و ملک کافور درم و جز موزه و اسباب و از زمانی مال فراوان نشستگان آورده

دو دوران یک عقد تمام کرد و اللّه و مطبخ را بکار برد و هم زر و اسب چون آن از بیرون سرای تو آنگاه من بران ختم انداخم و

درم نا چلو نه آمده است و خواهم از صبح تا ظهر کی کرده ام بار خواهم گشت و قاضی را بسیار کرده ام وقت قاضی را با شجاعان

فرستاده اما صاحب در جای به اطراف شب نیم شبی سرای قاضی رفت و آن سر را به مهر داد و بسته بود قاضی را گفت باید او را او

به شبه بیش برای آنکه تا انجمن اشارت داده است وی گفت چنین کنم و چون از سرای قاضی باز گشت از شده او را گفت فرمود

تا هم جمل آنکار برد و در خانه بنهاد و صدقه را به پیر داد و امانت او را بیاوردند گشتند و حالی بر او و حالی بر فرموده هم را آنکارها

بنهند چون فرود سواران بر راه رفت روز شنبه صاحب را فرمانبردار فرا رسید عضد الدوله قاضی را بخواند و دست او گرفت

و در آن خانه برد و آن گل آنگاه بنهاده بود قاضی را آن افتاد به ستوه و جواهر و خرده یافت عضد الدوله گفت در آن زمان نیستم که شخصی آنکه آن

مال مرد را بی آن خانه بر دن آمده شده و قاضی را باز گشت و از نشاندن او آن آنچه بر آن بر می آید و در آن روز عضد الدوله صاحب را آنگاه

را گفت خواهم کرد اکنون من بر قاضی دوی داد او را بطلب و از خزانه او به بر آدم و دوست و نگاه داشتم بیش از این آنکار نخواهم داد و هم

دانشمند مرا و هم مرا هم حال گفت بود و بر قول هر جایگاه که او دوست از او هر چه بیفزود و نه و الله اعلم الکن عضد الدوله را دو

از تو تعظیم و بخشش و دلجویی همی کرد اکنون جهانیان از او خبر شد که چندگاه جواب داده از آن دست بازداده همان بیش عرض آنکه او

نه هم دو دراهم و خرده و جواهر او بیش قاضی رفت و از او ملک و بخشید و همان حال گفت قاضی را نشسته آرا آن نام نشستگان کرد

و پیش عضد الدوله دو روز او را که از شب آنکه و آن مردی که او را که نوشتم آن جواب او را حال بود باز ده و ما از او بر عال صدقه آنکه

از ما بعضی جواهر و خیر از آن آنکه آفتاب بر آن گذشت گفت زمانی صبر کن اگر در هم جهان ترا آن جرم چون زمانی نشسته بود است و در راه

سفر و او را بخوانده و در کنار او گفت و گفت خواهد از دست و دو دست زاده صی در امر آنجای را زمین همان بمحال بر اصحاب دلی گفتم و

از آن وقت باز ترا آن علم بمحبت گرفته او هم دوار او در وی بیرون آمدم دادن تو همچنان بر جانب و بر جا است و هر دو آنکار بیش دادند

و گفت ای دزد و هست گفت هست گفت اکنون هر کجا خواهی برو ان مرد بیرون آمد و در روز حال را در سرای قاضی برد و فقرا

بر آن دولت باز نهاد و هم آن مال بر آن بر سرای عضد الدوله و عضد الدوله بر بار داد و بود و هم بزرگان و وزرا حاضر بودند او این مرد

بیش آمد و باز گفت بر دو فرمود تا او را آن بنهادند بیش عضد الدوله بیننده عضد الدوله گفت در آن گفت که این گناه ترا آن خویش است بسیار

و خیانت بر قاضی درست شد و مردی که اینجا بیاید از مملکت که ملک بزرگان را دریغ آمد بر او ورا ز جوش باقی بزرگان را بسیار عضد الدوله تا جواز او دو

گفت هر تجربه در زمانه نیست عجب ترا از آن که از تو بود او بر قاضی من بر نهاد دو دستار و او را آن گاه بر او بیش فرا آید چون قاضی را

بیش عضد الدوله دوی کردند او را گفت که او را آن بر داد و مرا آنکه این بستاند و دادن پیروی آنکه بیش عضد الدوله نهاده گفت آنکه بسوختم

دانسته که هم عضد الدوله با او گفت از آنچه آن روز آنکار بود است بیش عضد الدوله را گفت مردی بر ما علم کرد او علم

بیش و جیب کرد بر سر این خیانت کنی [illegible] غضب از دلها هم حرمتی باید داشت معلوم گشت بر اعمال و صاحب

از مال مسلمانان است و از آنکه نیست بر تن جان فرای آنچه هم و ایمان جان از خاطر ملامت یا آن راهست ملک و بر مرده هم

جان را بر گشتیم و اعمال ملکت آنچه نیست و هر حال مملکت داشتیم او را بسته و آن را اعمال و کار قضا نموده و آنکه

اما مرد را که حکایت عجیبی این داد خواجه نظام الملک که در کتاب آورده بوده او سلطان محمود را مانند این افتاده است فرمودی او داده

و فرو سلطان محمود داد که هر دو ان هزار دینار اشرفی در کیسه دیبای سبز سر بسته و مهر نهاده و بر پیش قاضی او دیعت نهادم و خود بسفر رفتم

و آنچه با خود برده بودم و از آن در راه و دستان او بسته بود آنجا بیش آمد که آن بسته بود از قاضی بستدم چون بخانه آوردم سر کیسه

باز کردم در کیسه بجای دینار مس یافتم بر قاضی باز گشتم او گفت بر او بیش قبول اکنون بیش یا باز هم که تا گفت تو وقت بر دادی

بیش و مهر نهاده هم دیدی که بر کیسه است   بازگرد در کیسه را بسته و مهر نهاده و هم بر در بیکان بار آوردی و وقت باز دادن او اکنون هم آن کیسه

کیسه را گفت این جنبه هم گفت گفتی هست و بسلامت برادر اکنون علت بیش رسید الله الله ای ملک عادل فریاد رس مرا

ار بیت المال قاضی ده نشانم سلطان محمود او را بیت او بخود ولی گفت گفت از این راه تو بر او روز نظر بر روان کیسه بیش بر آورده

رفت دان کیسه سلطان محمود و هم خواند و از کیسه نگاه کرد و هیچ نشانی نگاه کل نیافت و آن مرد را گفت کیسه هم چنین بیش نگاه دار

و هر روز سر هم مال علم کرد و هر ماه و ده دینار از دولتخانه بستان تا هر روز ترا نظر و تدبیر کردم تا بی اثر از این کیسه و آن را

[illegible] وقت [illegible] بود [illegible] آمد [illegible] گفت

باشند [illegible] خواهد [illegible] گفت [illegible] است

آمد [illegible] گفت [illegible] خواست [illegible]

[illegible] خدمت آن [illegible] بود [illegible]

[illegible] گفت [illegible] است گفت کسی [illegible] سلطان

[illegible] سلطان [illegible] گفت [illegible] گفت [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] است [illegible] گفت [illegible]

[illegible] گفت استاد [illegible] است [illegible] خواهم

[illegible] استاد [illegible]

گفت ای استاد چه خواهی [illegible] است گفت [illegible] استاد [illegible]

[illegible] گفت [illegible] گفت [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] آمد [illegible]

گفت [illegible] گفت [illegible] گفت [illegible]

[illegible] است [illegible] گفت [illegible] است گفت [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] گفت ای استاد [illegible] گفت [illegible] گفت استاد [illegible] آمده است

گفت [illegible] استاد [illegible] گفت [illegible] گفت [illegible] پادشاه [illegible]

گفت [illegible] گفت [illegible] گفت [illegible] گفت [illegible] قاضی [illegible]

[illegible] گفت [illegible] گفت [illegible] است [illegible]

گفت

٥١

گفت [illegible] است گفت [illegible] گفت [illegible]

[illegible] گفت [illegible] قاضی [illegible] گفت [illegible] استاد قاضی [illegible]

[illegible] گفت [illegible] صاحب [illegible] قاضی [illegible] سلام [illegible] گفت [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] گفت [illegible]

[illegible] گفت [illegible] گفت [illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] قاضی گفت [illegible]

[illegible] گفت [illegible] صاحب [illegible] گفت [illegible]

[illegible] قاضی [illegible]

گفت [illegible] قاضی

[illegible] قاضی گفت [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] سلطان محمود [illegible] قاضی [illegible]

[illegible] قاضی [illegible]

[illegible]

[illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] نظام الملک [illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] باب [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] حکایت

[illegible] خلفای بنی عباس [illegible] معتصم بن هارون الرشید [illegible] خلفای بنی عباس [illegible]

[illegible]

[illegible] امیرالمؤمنین [illegible]

[illegible]

[illegible] معتصم [illegible]

[illegible]

[illegible] امیرالمؤمنین [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] معتصم [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible] معتصم [illegible]

[illegible]

[illegible] معتصم [illegible]

[illegible] خلافت [illegible] معتصم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آن [illegible]

[illegible] رفته‌ام [illegible] آن شب [illegible] خانه [illegible] طلب [illegible]
گفت امروز [illegible] برادر [illegible] دست [illegible]
[illegible] دست [illegible]
[illegible] گفت [illegible] طعام [illegible]
بنشستم [illegible] گفت [illegible] دست [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] ملک [illegible]
[illegible]
[illegible] گفت [illegible]
طعام [illegible] گفت [illegible]
گفت [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
گفتم [illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] ملک [illegible]
[illegible] خانه [illegible]
[illegible] طلاق [illegible]
[illegible]

گفت

گفت [illegible] زن را [illegible]
[illegible] ملک [illegible]
۵۹ [illegible] زن [illegible] امیرالمؤمنین [illegible]
امیر چون [illegible]
[illegible] گفتم [illegible]
[illegible]
چون [illegible] ملک [illegible]
[illegible] زن [illegible]
ملک [illegible] زن [illegible]
ملک [illegible] امیرالمؤمنین [illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] ملک [illegible]
[illegible] زن [illegible] گفت [illegible] ملک [illegible]
[illegible] ملک [illegible]
[illegible] ملک [illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] زن [illegible] ملک [illegible] گفت [illegible]

با همه مردم برابر [illegible] امیر [illegible] خلیفه را بخواند و چون او در دست آورد [illegible] آن زن را [illegible] آورده دست [illegible]
پس آن زن را با مردی [illegible] سلام [illegible]
[illegible] آن زن [illegible] امیر [illegible]
[illegible] بسیار [illegible] گفت [illegible] در دست [illegible]
و [illegible] از [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] از [illegible] بر سر [illegible]
[illegible] برای [illegible] بیاورند [illegible]
[illegible] جواب [illegible]
[illegible] در [illegible]
[illegible] ما [illegible]
[illegible] او [illegible]
[illegible] ملک [illegible]
[illegible] احوال [illegible] باشد [illegible]
[illegible] خود [illegible]
[illegible] الملک [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] حکایت [illegible] پادشاهان [illegible]
[illegible] نگاه [illegible]
[illegible] پادشاهی و نظام سلطنت و جهانداری [illegible] حضرت سلمان [illegible]
نقل است [illegible] الملک [illegible] و دستان [illegible] حفظ [illegible]

پادشاهی

۵۵

پادشاهی را و بعضی از علما [illegible] اتفاق آورده‌اند علمای عرب و عجم بر این [illegible] که گفته‌اند ملک و پادشاهی بنا است و اساس
وی آن بنا لشکر است هر گاه اساس عمارت محکم و قوی باشد آن بنا از خلل دور و از اساس ضعیف باشد بنا خراب شود
و سلطنت نیست الا به لشکر و لشکر نباشد الا به مال و مال نیست الا به عمارت و عمارت نیست الا به عدل [illegible]
این کلمات از حکما بر این اتفاق آورده‌اند و وضع این سخن [illegible] آن است که پادشاه [illegible]
بسیار است هم پادشاهی را از اطراف و جوانب ملک [illegible] دشمنان [illegible]
نمی‌شود پس ضرورت چیزی که پادشاه را مهم است حفظ ملک و پادشاهی و هم جهت [illegible] حفظ ملک لشکر است و حفظ
و سرانجام و رونق لشکر [illegible] بسیاری [illegible] مال است [illegible]
و هر وقت [illegible] لشکر را باید که پادشاه [illegible] احسان [illegible] پادشاه
در دل ایشان [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] خود [illegible]
[illegible] لشکر [illegible]
[illegible] لشکر [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] پادشاه [illegible]
پادشاه [illegible] است [illegible]

و در بسیاری از [illegible] السلطان
[illegible]

از [illegible]

چه بر او و ما چون در سیاره راه معرفت چون مراجعت [illegible] باز مرد و طرف آفتاب اقدام ما چون گفت [illegible]

[illegible] آفتاب [illegible] آفتاب [illegible]

[illegible]

حکایت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حکایت [illegible] سلطان ملکشاه [illegible] اصفهان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان ملکشاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و چون [illegible] رسید [illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان محمود [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible] گفت [illegible]

[illegible]

٥٧ و تا استقامت [illegible] طعام [illegible] آن [illegible]

[illegible]

[illegible] پادشاه [illegible]

[illegible]

[illegible] گفت [illegible]

[illegible]

بی روزی باشد [illegible] گفت از ولایت [illegible] و حال [illegible]
[illegible] خصمان [illegible] آن [illegible] زمان [illegible]
در [illegible] آورده [illegible]
گفت [illegible] جواب [illegible] آورده [illegible]
گفت [illegible] آورده [illegible] گفت ای ملک [illegible] آورده [illegible]
مال [illegible] جواب لطف [illegible] اجازت داد [illegible]
[illegible] حکایت آورده‌اند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حکایت آورده‌اند [illegible] مامون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] جواب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مامون [illegible] جواب [illegible]
[illegible] حکایت [illegible] مامون گفت [illegible]

[illegible] مامون [illegible]
حکایت آورده‌اند [illegible] عباسی چون مامون [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
دولت [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آورده‌اند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول [illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]

جاری باشد و در سفر [illegible] لطف [illegible] از انجام و کمال [illegible]

[illegible] لطف [illegible] دو حق [illegible] التفات [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible] لطف [illegible] حق [illegible]

و این حکایت [illegible] عباسی [illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible] پادشاهان [illegible]

[illegible] حق [illegible]

[illegible] الحمد لله [illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible] غلام لطف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مقبول

[illegible] لطف [illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible] حکایت [illegible] لطف [illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

از حکایات [illegible]

59

[illegible] مسلمانان [illegible] حکایت [illegible] پادشاهی [illegible]

[illegible] مسجد [illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible] لطف [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] مسجد و مناره [illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible]

[illegible]

چون رسولان بهند رسیدند و رسالت ادا کردند ... [illegible]

شما را جواب گویم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

جواب رسالت شما ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... سلطان ... [illegible]

افتاد و پادشاه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

دشمن او ... پادشاه ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... پادشاه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قال الله تعالى ... [illegible] ... لئن شکرتم

لازیدنکم ولئن کفرتم ان عذابی لشدید ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... منقول است ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... حضرت امام محمد باقر علیه السلام

منقول است ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... یا رسول الله ... [illegible]

[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... حضرت صادق علیه السلام

علیه السلام منقول است ... [illegible] ... استغفار ... [illegible] ... ذنب ... شکر

نعمت ... [illegible] ... منقول است ... [illegible] ... انعام ... [illegible]

[illegible]

... [illegible] ... این حضرت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... حضرت ... [illegible] ... رسول صلی الله

علیه و آله منقول است ... [illegible]

رسول صلی الله علیه و آله منقول است ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله

منقول است ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... سبحان الله ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

61 ... [illegible] ... است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... اکبر ... [illegible]

... الله اکبر ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است ... سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر ... [illegible]

[illegible] ... آفتاب ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... حضرت صادق علیه السلام منقول است ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... علیه السلام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شده و هم [illegible] گفت [illegible]
[illegible] لطف [illegible]
[illegible] آسمان [illegible]
[illegible]
[illegible] بر سانند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] گفت [illegible] سلطان [illegible] سلام [illegible] سلطان
[illegible] جواب سلام [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] جواب [illegible]
[illegible] الحمد لله رب العالمین [illegible] سلطان
[illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible]
[illegible] اقبال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
در حوزه [illegible] کار [illegible] دارد
حوزه [illegible] عالم دارد

۶۴

پس ... [illegible] ... حضرت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بلکه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس

[illegible marginal note]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

~~[illegible]~~
~~[illegible]~~
~~[illegible]~~
~~[illegible]~~
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۶۸

[illegible]

استعمال کنند و علم [illegible] آدمی [illegible]

این [illegible]

[illegible]

وحرارت [illegible]

[illegible] تقویت قوه الهاضمه [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] اعضا [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] حرارت [illegible]

[illegible]

[illegible] غذا [illegible]

[illegible] اعضا [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] اعضا [illegible] حرارت [illegible]

[illegible]

[illegible] حرارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روح [illegible]

[illegible] اعضا [illegible]

[illegible] اعضا [illegible] اعضا [illegible]

[illegible] اعضا

[illegible] روح [illegible] حرارت [illegible] اعضا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اعضا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اعضا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ولی از دم ... آن صنع ... و آن صنع از آب ... و از دم ... فرود آمده ... شیخ عجب شد و گفت
این حال ... شیخ ... آب ... از دم ... ادم ... شیخ ... تا ... رسید حوالی ...
درخت ... [illegible] ... آمد و قصه حال آن جوان ... چون ... آن جوان رسید ... از
طرف ... رسید ... از دم ... آن صنع ... آمد ... از دم ... شیخ
آن صنع ... شیخ ... گفت ... [illegible] ... آن جوان ... از ... است ... آن
[illegible]
جان ... [illegible] ... آن ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ... خدا ... انسان
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۱۴۱

[illegible] ... خدا ... [illegible]
[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]
[illegible] ... قالت الملائکة ... قال یا رب قال الله تعالی ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خدا ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اهل الکمال [illegible] و جناب [illegible] آورده [illegible]

[illegible]

[illegible]

می شنید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمود [illegible]

[illegible] از آن حضرت منقول است که فرمود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که آن حضرت فرمود [illegible]

[illegible]

[illegible] و از حضرت صادق علیه السلام منقول است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جادوست لطف است ... حضرت رسول ... الفوز بالعبر ...

[illegible]

[illegible]

۷۲ [illegible]

[illegible]

۴ [illegible]

[illegible]

۶۷

و نسبت [illegible] فنا [illegible] ثابت [illegible]

و از صحبت [illegible] بیرون [illegible]

[illegible]

[illegible]

۳ [illegible]

[illegible]

[illegible] الآفاق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و این اشاره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] امیر المؤمنین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۷۳

[illegible] امیر المؤمنین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] امیر المؤمنین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] افضل [illegible]

[illegible]

[illegible] فصل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و چون از مناجات [illegible] حسن خلق از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله منقول است [illegible] احسن خلق [illegible]

العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین [illegible] از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ادفع بالتی هی احسن السیئة فاذا الذی

بینک و بینه عداوة کانه ولی حمیم و ما یلقیها الا الذین صبروا و ما یلقیها الا ذو حظ عظیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

و حضرت [illegible] گفت [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و اقسام و انواع [illegible] و انواع [illegible] است اول [illegible] دوم [illegible] سوم [illegible] چهارم [illegible]

[illegible] و انواع [illegible] است اول [illegible] دوم

[illegible] سوم [illegible] چهارم [illegible] ششم [illegible] دوم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۸۰

[illegible]

۸۱

[illegible]

[illegible]

العوارف ... العقوبة ... [illegible]

واما العفو والعدل ... [illegible]

[illegible]

نموده است که روی [illegible] آن امام [illegible] است که ملاقات [illegible] نکرده بود [illegible] الله [illegible]

[illegible] است چه [illegible] احوال [illegible] است که [illegible]

[illegible] است [illegible] حضرت [illegible] است [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] نقل است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت رسول صلی الله

علیه و آله [illegible] حضرت [illegible] است

[illegible] حضرت [illegible] حکایت نقل است از [illegible] حضرت امام [illegible] صلوات الله علیه غلام [illegible]

جواب [illegible] حضرت [illegible] گفت [illegible] غلام گفت [illegible]

[illegible] جواب [illegible] گفت [illegible] حضرت [illegible] حکایت نقل است

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

نقل است [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حکایت نقل است از حضرت امام حسن علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

آن حضرت [illegible] حضرت امام حسن علیه السلام [illegible] الکاظمین الغیظ حضرت [illegible] غلام گفت

والعافین عن الناس حضرت [illegible] والله یحب المحسنین حضرت [illegible] حضرت

[illegible] حکایت نقل است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام غلام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

حضرت

حضرت [illegible] حکایت نقل است از حضرت

امام زین العابدین علیه السلام [illegible] حضرت [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

حضرت امام [illegible] علیه السلام [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حکایت نقل است [illegible]

[illegible]

[illegible] حکایت نقل است [illegible] حضرت

امام [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] حکایت نقل است [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حکایت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... السلطان [illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible] آن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] رسول است [illegible] السخی حبیب فی السموات محبب فی الارض خلق من طینة عذبة وخلق ماء عینیه من ماء

الکوثر والبخیل بغیض فی السموات مبغض فی الارض خلق من طینة سبخة وخلق ماء عینیه من ماء العوسج [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] امام موسی کاظم علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible] امام جعفر صادق علیه السلام [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٨٩ [illegible] رسول الله [illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت صادق [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت امام [illegible] علیه السلام [illegible] السخی قریب من الله

قریب من الجنة قریب من الناس [illegible]

السخاء شجرة فی الجنة من تعلق بغصن من اغصانها دخل الجنة [illegible]

[illegible] حضرت امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible]

اگر در طاعت خدا صرف شود [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه وآله [illegible]
[illegible] بالعطیه [illegible] المعروف [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده [illegible] ومن یبسط یده بالمعروف اذا وجد یخلف الله
له ما انفق فی دنیاه ویضاعف له فی آخرته [illegible]
[illegible] حضرت امام محمد باقر علیه السلام [illegible]
[illegible] الانفاق [illegible]
[illegible] حضرت امام [illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] الانفاق [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین [illegible] صلوات الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

مشغول شد و او را با [illegible] اشارات [illegible]

[illegible] حضرات اهل البیت علیهم السلام [illegible] خطابت حسن نقل نموده‌اند [illegible]

حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام [illegible] حضرت رسالت صلی الله علیه و آله [illegible]

صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]

حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]

حسین [illegible] حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام و فضه خادمه ایشان [illegible]

[illegible] حضرت امیر المؤمنین [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت امیر المؤمنین [illegible] حضرت فاطمه علیها السلام [illegible]

[illegible] حضرت فاطمه علیها السلام [illegible]

[illegible] اهل بیت [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت فاطمه علیها السلام [illegible]

با اهل بیت [illegible]

[illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible] اهل بیت علیهم السلام [illegible]

علیها السلام [illegible] صلی الله علیه و آله

[illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]

91

با اهل بیت [illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه

و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت فاطمه علیها السلام

[illegible] حضرت فاطمه علیها السلام [illegible]

[illegible] اهل بیت [illegible] صلی الله علیه و آله

[illegible] حضرت اهل بیت [illegible]

[illegible]

[illegible] اهل بیت [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٩٢

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حکایت در زمان خلافت مأمون [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] امیر المؤمنین [illegible] علی بن ابی طالب [illegible]

[illegible] آن حضرت [illegible]

[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] اسد الله الغالب [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] علی بن ابی طالب [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] علی بن ابی طالب [illegible]

[illegible] اسد الله الغالب [illegible]

[illegible] امیر المؤمنین [illegible]

از وی بگرداند [illegible] [illegible] از اهل [illegible] [illegible] در [illegible] شهید [illegible] العلم عند الله و [illegible]
[illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] صدق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بود [illegible]
[illegible] اسلام [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] الله الغالب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible]
حضرت امام المتقین صلوات الله علیه جواب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] امیرالمؤمنین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صلی الله [illegible]
از آن حضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رسول الله [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible]
صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] [illegible] حضرت امیرالمؤمنین [illegible] ذوالفقار [illegible] [illegible]

۱۰۱

۹۷ منقول است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت
رسول صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible] [illegible] حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آن حضرت [illegible] [illegible] [illegible]
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت امیرالمؤمنین صلوات [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آن حضرت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

حکایات او عطا او [illegible] آورده‌اند [illegible] اعتقاد [illegible] سامان [illegible] داشته‌ام [illegible]

[illegible] باشد [illegible] گفت [illegible] آورده [illegible]

[illegible] خواب [illegible] آورده [illegible] فرمان [illegible]

[illegible] اسباب [illegible] احوال [illegible] داده [illegible]

[illegible] حجت [illegible] خود [illegible] حال چون [illegible] گفته [illegible]

جوان [illegible] گفت چون [illegible] احسان [illegible] حق [illegible] سلام [illegible]

[illegible] سامان [illegible] اسب [illegible]

گفت [illegible] سامان [illegible]

[illegible] گفت [illegible] حال [illegible]

[illegible] جان [illegible] آمده [illegible]

[illegible] جان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] احوال [illegible] اسباب [illegible] گفت [illegible]

[illegible] حال [illegible] گفت [illegible]

[illegible] داده [illegible] اسب [illegible]

[illegible] اسب [illegible] خود [illegible]

[illegible] حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] علیه السلام [illegible]

فرمان [illegible] حضرت [illegible] منقول است [illegible]

[illegible] حضرت امام [illegible] علیه السلام منقول است [illegible]

حضرت رسول صلی الله علیه [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] علیه السلام منقول است [illegible]

[illegible] حضرت موسی علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت موسی علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]

فصل نهم در فضیلت تواضع و مذمت تکبر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بهشت [illegible] آورده [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت صادق [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بالسنه [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله

[illegible]

[illegible]

حضرت [illegible] فعل آن [illegible]
[illegible]
[illegible] نقل است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه [illegible]

از حضرت امام [illegible] منقول است [illegible]
[illegible]

از حضرت [illegible] منقول است [illegible]
[illegible]

حضرت [illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] منقول است [illegible]
[illegible]
حضرت رسول صلی الله علیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

از حضرت صادق [illegible] منقول است [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٠٨

[illegible]

[illegible]

٨٠١

المکرم

[illegible]

١٠٩

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] بیت المقدس [illegible]

[illegible] حضرت موسی علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت آدم علیه السلام [illegible]

[illegible]

۱۱۴

[illegible]

و حکومت [illegible] حضرت موسی علیه السلام [illegible] یوسف [illegible] سلطنت [illegible]

[illegible] بیت المقدس [illegible]

[illegible] حضرت موسی علیه السلام [illegible]

~~[illegible]~~

[illegible] حضرت [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت سلیمان علیه السلام [illegible]

[illegible] حضرت سلیمان علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت سلیمان علیه السلام [illegible]

[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت امام حسن علیه السلام [illegible]

۱۱۵

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] حضرت امام حسن علیه السلام [illegible]

[illegible]

۱۱۷

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۱۶

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

و صادر است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

و چون زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

حضرت فرمود [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الحضرت فرمود [illegible]

[illegible]

[illegible]

حضرت امیر المؤمنین صلوات الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

حضرت امیر المؤمنین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ودر ایام مبارک [illegible] عباس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حضرت امیر المؤمنین صلوات الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و انسان ان ظاهر ساخت ... [illegible] ... سلطان ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جهت اول م
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

١٢٦ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] لازم است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

126

در پادشاه [illegible] مجلس پادشاه لازم است [illegible] آداب [illegible]

[illegible] العدل [illegible]

[illegible] باشند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بالعلم يطاع الله ويعبد وبالعلم يعرف الله [illegible] وبالعلم توصل الارحام وبه يعرف الحلال والحرام والعلم امام العقل والعقل تابعه [illegible]

[illegible]

۱۲۹

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اسباب نظم عالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١١

١٣٦

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٣٧

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

افضل الجهاد [illegible] الملوک باتباع رضاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطانک [illegible] ملک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و علی الدوام مواظبت [illegible] حضرت پادشاهی [illegible] امور [illegible] از آنکه [illegible]
حضرت پادشاه و جمیع حوادث [illegible] پادشاه [illegible] و ملک [illegible] پادشاه [illegible] باشد [illegible]
[illegible] حالت [illegible] و علما [illegible] پادشاه [illegible] حال [illegible] استقلال [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] سلطنت [illegible] از [illegible] است [illegible]
[illegible] از [illegible] و علما [illegible] امور [illegible]
[illegible] اصل [illegible] احوال [illegible] از [illegible] است [illegible]
[illegible] حال [illegible] حکم [illegible] است [illegible]
[illegible] جمهور [illegible] و اصلاح حال [illegible] سلطنت [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] پادشاهی [illegible] است [illegible] امور [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] پادشاه و دولت [illegible] الله [illegible] علم [illegible]
[illegible] علم [illegible] اول [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] امور [illegible] اشراف [illegible]
[illegible] احوال ایشان [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] امور [illegible]
[illegible] و اصلاح [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] احوال [illegible] پادشاه [illegible] احوال [illegible]
[illegible] اصل است [illegible] دوم [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] اهل علم [illegible] علما [illegible] و اهل شرع [illegible] اشراف [illegible]
و اطبا و [illegible] و امثال ایشان [illegible] دین و دولت [illegible] ایشان [illegible] است و

در این

١٤٤

[illegible] جهت اول [illegible] سلطان [illegible] ملازمان [illegible]
[illegible] اهل علم [illegible] طبقات [illegible] پادشاه [illegible] امور [illegible]
[illegible] احوال [illegible] خاص پادشاه [illegible] احوال سپاه [illegible]
[illegible] احوال [illegible] عمل [illegible]
[illegible] سلاطین [illegible] امور [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] احوال [illegible]
[illegible] اهل [illegible] امام [illegible]
[illegible] سعادت [illegible]
[illegible] سپاه [illegible]
[illegible] اصحاب [illegible]
[illegible] علم [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] اهل علم [illegible]
[illegible] دولت [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] احوال [illegible]
[illegible] احوال ایشان [illegible]

حفظ [illegible] و ضبط [illegible] جهت
[illegible] پادشاه [illegible]
و معرفت [illegible] علما و [illegible]
[illegible] و مساعدت [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] احوال ایشان
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

149

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و گفته [illegible] اسباب [illegible] والطاف [illegible] طلب [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

از دولتش [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] حضرت سلطان [illegible]

جواب [illegible] ایشان [illegible]

ایشان [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۵۹

[illegible]

۱۶۰

[illegible]

[illegible]

161

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۶۷

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۷۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۸۰ [illegible]

[illegible]

حکایت حسن بن سهل [illegible]

حضرت امام رضا علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سلطان [illegible] [illegible]

[illegible] اعتقاد [illegible] [illegible] [illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] [illegible] [illegible] حاصل [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] پادشاه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پادشاه

درین باب به وزیر اعظم تأکید باید کرد درین ابواب اهتمام تمام لازم داند هرچند وزیر [illegible]

[illegible] باشد ولیکن تأکید [illegible] پادشاه [illegible] [illegible] پادشاه گوید و تأکید [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سلطانی [illegible]

[illegible] [illegible] سلطنت [illegible] احکام [illegible] [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] اعاظم سلاطین [illegible] [illegible]

[illegible] احکام [illegible] [illegible]

درین ابواب [illegible] محمد خان شیبانی از اعاظم سلاطین با اقتدار

اوزبک بود [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] اسمعیل الحسینی الموسوی الصفوی انار الله برهانه [illegible] محمد خان

[illegible] محمد خان کشته شد [illegible] [illegible] اوزبک

[illegible] خراسان مفتوح شد فتح نامه باطراف ممالک خراسان ارسال [illegible]

فتح نامه [illegible] ارسال شد [illegible] جمیع اکابر و اعاظم و افاضل و اعیان

[illegible] [illegible] [illegible] اوزبک [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] خلایق [illegible]

[illegible] اکابر و افاضل و اعیان و سایر خلایق در مسجد جامع جمع شدند [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] مسجد [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] مسجد

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] شیخ الاسلام [illegible]

ملک خراسان بود و در شکستن نهایت تعصب بود و در نوبت دوم که نواب نزد ایشان بخراسان
تشریف حضور ارزانی داشته بموجب حکم پادشاه برگشته که بود و ان کالی نشسته بود و در پهلوی
او یکی از عظماء اعاظم علماء فن نجوم بود و چون گستاخی [illegible] خطیب بوقوع امد مولانا سیف الدین گفت
این عجب است که شغل کشیده اما نزدود و نخواهد نشست [illegible] احوال [illegible] طالع حضرت
شاه را اطلاع داشته [illegible] دانست که بود و من [illegible] این سالها [illegible] هرگز از سلطنت
و جهانبانی و [illegible] حال کشورکشا و جهانستانی نخواهد بود و استعداد ایام دولت و عظمت اولاد
امجاد انحضرت مقرون بدوام و خلود بود و از افت انقطاع و انصرام محروس خواهد بود که گفت
راست است اشتر شغل کشیده اما نزدود و نخواهد نشست   سیم از قسم دوم کتاب ارشاد
الاحرار [illegible] مع اداب [illegible] ملوک و پادشاه است طبقات [illegible] طبقه اهل [illegible] اهل شمشیر
چون سپاهیان و غازیان و امراء سپاه و حارسان سرحد و اهل [illegible] که حارسان
ملک و دولت اند و سایر طبقات [illegible] کرده میشود و در این باب [illegible] فصل اول در
تدبیر طبقه اهل شمشیر باید دانست که [illegible] بسیار است و وجود اهل شمشیر و شجاعان
و صاحبان شجاعت [illegible] در نظام عالم [illegible] از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت
که فرموده الخیر کله فی السیف و تحت ظل السیف و لا یقیم الناس الا السیف [illegible]
شمشیر است [illegible] مردم را الا شمشیر [illegible] باید دانست [illegible]
و بسیار از مردمان [illegible] غلبه [illegible]
[illegible]
سپاه [illegible]
از [illegible]
اسلام و [illegible]
پادشاه را لازم است که سپاه [illegible]
باشد که روز بروز عدد سپاه را زیاده میشده باشد و چون داخل [illegible]
که پادشاه [illegible]

لازم است

۱۸۳

لازم است که [illegible] بسیار [illegible] باشد [illegible]
و [illegible] که وجود ایشان در نظام [illegible] چندان [illegible]
[illegible] احوال [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] ملک [illegible] و اعداء
دولت [illegible] سپاه بسیار [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] پادشاه از این
جانب [illegible]
[illegible]
که [illegible] ایشان [illegible] پادشاه
در [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سپاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
سپاه [illegible] احوال [illegible]
[illegible]
این جهان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و همچنین یکبارگاه از حرکت و مساوات خصوم بطلوع میرسد هرگاه لشکر مهیا باشد در آن
وقت لشکر مفتران گرفت و تحصیل آن به آسانی نیست و لشکریان که در آن وقت سامان یابند
و تجربه حال ایشان نشده باشد و سالها در تربیت ایشان کار نشده باشد بعید است که از ایشان
چه کار خواهد آمد بلکه چنین لشکر همیشه خرابی در انتظام ملک و شکست لشکر از نبود میشود و معلوم
است بسیار از وجود سیاسی بر باد رفته لازم است که پیش از وقوع وقایع و صدور حادثات
سرانجام لشکر نماید و لشکر همیشه مهیا و مستعد و حاضر داشته باشد که در وقت حاجت بدل
هشته راه اختلاف و عسکر و مصدر ایشان مستعد و مقتدر باشند در وقت ظهور آثار فتنه و فتح
خالفان و عصیان طاغیان دفع ایشان نموده باشد [illegible] بعید الوقوع باشد [illegible] وقت صحت ایشان
اگر کسی متعذر بصحت شود و او بتحصیل [illegible] حاجت نیست و وجود [illegible] که او دیر باز موانع
بعید [illegible] میکنند [illegible] اکمال صحت حاصل است اگر بسیار [illegible] در آن وقت تحصیل
دو احتیاج باشد نه بلکه [illegible] از [illegible] بعضی از [illegible] و بعضی از [illegible]
رسند اگر شتر [illegible] باشند [illegible] سلاطین و اکابر و ملوک [illegible] از [illegible]
ذخیره و محفوظ باشد در وقت ضرورت [illegible] چگونه تحصیل آن کرد و همچنین بعضی [illegible]
معاجین باشد که به یحیی [illegible] بکار [illegible] مطلوب [illegible] ترتیب کرده [illegible]
چگونه تحصیل آن توان کرد و مهیا بوده که [illegible] بسبیل اسراف و تبذیر [illegible]
[illegible] ماکولات و مشارب و ملبوسات و مفروشات [illegible] و امثال آن [illegible] بسیار
بوده و بسبب [illegible] اموال [illegible] ظلم و تعدی
ایشان [illegible] احوال رعایا از ظلم و تعدی ایشان خرابی احوال رعایا و مملکت راه یافته و ضعف
و نقصان [illegible] بیت المال [illegible] و وزرا حقیقت را [illegible]
بوده معروض [illegible] داشته [illegible] و مساهله [illegible] خود [illegible]
داخل [illegible] مستوره [illegible] گشته اند و معروض [illegible] که داخل فلان
ولایت [illegible] لشکر [illegible] آمد و در آن [illegible] لشکر [illegible] سلطنت
باشد و [illegible] داخل سلطان کرده [illegible] تحصیل جمیع اموال [illegible]

و وزیر نقیبات [illegible] اند معروض داشتند که داخل فلان ولایت هر سال چندان میشود
و صرف لشکر آن [illegible] میشود و ملک [illegible] است و حاجت [illegible] لشکر نیست [illegible] داخل
آن ملک در خزانه جمع شود [illegible] و وزیر خزانه باشد و چون لشکر حاجت [illegible] افتد چون
خزانه معمور باشد تحصیل لشکر آن [illegible] کرد و [illegible] حاجت شود تحصیل [illegible]
و این رای [illegible] و این رای [illegible] معلوم میشود و تحقیق است
که خزانه و مال لشکر [illegible] است [illegible] لشکر [illegible] از معظمات
مهمات امور ملک است [illegible] از [illegible] داخل [illegible] شود اقتدار
که ممکن باشد [illegible] گنده [illegible] و علاوه [illegible] سابق الایام [illegible] سالف
[illegible] شده [illegible] لشکر [illegible] بوده اند [illegible]
که [illegible] را انجام [illegible] حاصل بوده [illegible] صواب [illegible] عمیق [illegible] اند
قواعد [illegible] بوده اند [illegible] صواب است [illegible] خود [illegible]
[illegible] که [illegible] رسوم و سنن سالفه [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و از [illegible]
[illegible] کامل [illegible] حاصل [illegible] است
[illegible] بعضی [illegible] میوه دار
[illegible] بعضی لشکریان باشند که از ایشان فایده متصور نباشد [illegible]
[illegible] که [illegible] غافل باشد و ایشان [illegible] تبدیل [illegible] باید
که تحصیل سپاه [illegible] سپاهی [illegible] مردم [illegible]
رای [illegible] باشند که از [illegible] عزت [illegible] مردم [illegible]
[illegible] است [illegible] سپاه [illegible] باشند [illegible]
[illegible] گفته اند [illegible] سپاه [illegible] هزار [illegible] باشند [illegible]
از [illegible] غلبه [illegible] سپاه [illegible] بسیار باشد [illegible] باشند
[illegible] افلاطون [illegible] بعضی [illegible] خود [illegible] گفته [illegible]

و الحق الی تقدیم المقالة بعض صرف سازند پس اثبات را در سپاه و جانب تقویم مقاتلان
وجوب کنند کان خاستوف علیهم شرایط الخدمة بعض تنبیها کنند پس این شرایط خدمت را
غرض حکم امیر آنست که شرایط و لوازم و مراسم که معتبرست در سپاه ما بدیشان طلب نکرده باش
و این تزاید غفلت و تکاسل است و بیکاری [illegible] چون سپاهیان عادت بفراغت و راحت
کنند و اشتغال حرب و دفع [illegible] فرو گذارند و [illegible] از رسوم سپاهی [illegible]
کنند کار خود را فراموش کنند و سر رشته آن از دست بدهند چون [illegible] پیش آید
الحق کار دل دوستان شما از ایشان نیاید و گاه باشد که عدم چنان کسان در [illegible]
به از وجود باشد و [illegible] الاجرة التی فرضها الاستحقاق [illegible] ایشان
بر سپاهیان [illegible] اشان [illegible] که استحقاق [illegible] ملازم
گردانید و در ضمن این سخن چند کلام چند سخن مقصود هست [illegible] باید که پادشاه [illegible]
عمل هر کس از سپاهیان را توقیف کند و بایشان برساند و هر کس [illegible] ارزاق و معلومات و
مرسومات و ادرارات ایشان را قصور نکند [illegible] بایشان در رسیده [illegible] تا
دل مشغول باشند و از جان کوشش کنند و محبت پادشاه در دل ایشان جای گیرد [illegible] شرط
انصاف باشد که دل با جان خواهد و در دل ایشان [illegible] کند [illegible] گفته اند [illegible]
توسع مکن [illegible] از تو مستغنی شوند و چنان تنگ مگیر [illegible] که از تو [illegible] عطای
با ایشان [illegible] وسط و منع مکن [illegible] و امید [illegible] ایشان [illegible] کن که
امید ایشان بجانب تو بسیار باشد و توسع بسیار در عطا [illegible]
منصور [illegible] نیز [illegible] سخن را نقل [illegible] گفت [illegible]
حال [illegible] کنند [illegible] عطا [illegible]
تو [illegible] ابو العباس [illegible] از امراء او بود گفت امیرالمومنین [illegible]
[illegible] و از [illegible] رسوم ملوک سابق و خلفاء پیشین چنان بوده که
[illegible] ارزاق و معلومات سپاه [illegible] داده [illegible] عطایا و انعامات [illegible]
و در ضمن [illegible] بسیار هست اول آنکه ایشان [illegible] دار الملک حاضر باشند [illegible]

جهت تحصیل معلومات خود متفرق بسیار نباید کشید و اینها [illegible] بشغل خود باید پرداخت [illegible]
حاضر شوند و مشغف پادشاه [illegible] و [illegible] متجدد و منکر [illegible] باشد [illegible] انعام [illegible]
و محبت پادشاه در دل ایشان [illegible] باشد [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] باشد و موقوف و متعلق [illegible] مستقل [illegible] بعضی [illegible] بوده
که هر روز چندین هزار کس از افراد سپاهیان بدرگاه پادشاه حاضر شوند [illegible]
چندین منافع و فواید هست لیکن [illegible] رسوم و قواعد معمول [illegible]
[illegible] و [illegible] سپاهیان [illegible] ارزاق و معلومات
معاش [illegible] انواع اکرام و مهربانی [illegible] و انواع تلطفات [illegible]
[illegible] و [illegible] و التفات نمودن [illegible]
[illegible] استحقاق و [illegible] اخلاص [illegible] ایشان [illegible]
باید [illegible] ایشان [illegible] استحقاق [illegible]
[illegible] شفاعت [illegible] استحقاق [illegible]
[illegible] سپاهیان در کار و عمل خود
خواهند [illegible] خواهند نمود و [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] کلام [illegible] برگزیده [illegible]
[illegible] لوازم [illegible] شجاعت [illegible]
[illegible] و [illegible] علی [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] نموده [illegible]
ایشان [illegible] تعلیم [illegible] باشد [illegible]
ایشان [illegible] قواعد [illegible] جانب [illegible]
[illegible] تعلیم [illegible] باشد [illegible]

با مرکب و سلاح و سایر حوایج و لا تعطلن [illegible] بل اجعلهم [illegible] الی الرفق و [illegible]
مهاد المعونة و [illegible] الا ثبات للراحة یعنی [illegible] مساز کار اگر چه [illegible] و مقصد از ان لشکر [illegible]
در عمل [illegible] که تو طلب ایشان در عمل باشد [illegible] که میل براحت و فراغت کنند
و به [illegible] اختیار راحت [illegible] سازد از کار [illegible] باشند و [illegible]
حسن المواسات و [illegible] الی ما یتصل بک من [illegible] و کرم عهدهم یعنی [illegible] سازد در نظر
ایشان [illegible] و رفیقان در [illegible] و احوال ایشان [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible]
و لا [illegible] لاحد منهم [illegible]
[illegible] احوال [illegible] که هر یک [illegible] باشند
چون [illegible] سلاح و [illegible] و سایر [illegible] در انجام آن [illegible] شده و اگر
[illegible] کنند [illegible] و دران [illegible]
[illegible] عمل [illegible] شرط [illegible] شود
جمیع استعدادات خود را [illegible] بعضی اوقات [illegible] استعدادات دیگر
[illegible] درست کردن [illegible]
و امثال [illegible] وقت [illegible] شود و [illegible]
که [illegible] واقع میشود و [illegible] نادر الوقوع باشد [illegible] و لیکن [illegible]
من [illegible] و التذبذب [illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان [illegible] زیاده [illegible]
[illegible] و امثال آن [illegible] ایشان
[illegible] روز بروز [illegible] شده [illegible]
و [illegible] لاسلاح [illegible] و لیکن [illegible]
و الا [illegible] ما ان [illegible]

از غارتها و تحصیل متعلقات و کسوتی که مردم [illegible] و [illegible] کنند و باید که ایشان
از جهاد کردن [illegible] و غارت کردن بر دشمنان [illegible] ایشان از [illegible]
و فواید آن و غنایمی که از دشمنان بدست آید بوده باشد [illegible] تحصیل [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] باشند [illegible]
[illegible] دشمنان [illegible] ایشان [illegible]
که ایشان [illegible]
باشند و اعلم انه لا [illegible] الا لمن [illegible] بالاحسان [illegible] بالقهر [illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان باشد [illegible]
باشند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان [illegible]

نظر و رعیت اختصاص یافته‌اند فاستشعر هذه الخصال لتستعملها الی الحاذق ممکن لك
روا من المکاره بغیر حیات کن که خصال مذکوره در خاطرات ان جماعت سبقت کرده بتوده باشد
و رد کنند و منع کنند از تو باشند مکروهات را و طبقهٔ ثالث طبقات بعض لشکر یا رعیت
طبقهٔ مرتب دارا اعلاهم من اعلمت منه اخطار ابنیه فی المحاربة فکلمه وضبطهم تحت جهة
من رجالك محسن مجاورة لمن تقلد امره من رعیتك و اجعل امرا علیهم من اربابه من الحرم
علیك و ثقته فی محاربة الذین علیك اعلای طبقات ثالث آنکه رسیدگان ای ازو اشنع
در خاطرات مرا انگشد در وقت کار بهیئت تو محاربه بکند و ضبط لشکر کرده بزیردستان و بند
از شکران تو بجا آورده و مجاورت و سلوک نکو [illegible] که بقوادار استقلال ایشان ساخته
و والی برایشان گمارد باینده مکیده و موجب مکیده بر مجاورت و محافظت لشکر تو موقع کرده اند
و انجه در رسید از انجا در معرکه [illegible] از تو و حاصل این مقام آنست که هرکس که پرتشا
او را مرتبهٔ امارت رساند باید که در وجه صفت موجود باشد اول آنکه در راه مخدوم و ولی
نعمت در معارک خود و سر خود را در مخاطرات و اهوال تواند افکند و دوم آنکه ضبط و ربط
سپاهیان و زیردستان که در تحت فرمان او باشند تواند کرد و میان ایشان [illegible] محاربه بر [illegible] تواند
درشت و ایشان را از ظلم و تعدی [illegible] منع تواند شد و تقدیر ایشان تواند کرد
سیم آنکه رعایا و زیردستان و کسانی که ایشان در حکومت و امارت وارد سلوک نکو
نماید و ظلم بر ایشان نکند و انصاف [illegible] دوره تعمیر و نسق ملک و ترفیه حال رعایا و دفع
آفات از ایشان نکوشد [illegible] باشد در حاطه [illegible] خارجیان و دشمنان ملک
و مضطرب [illegible] باشد [illegible] حال [illegible] کند [illegible] باشد [illegible]
و مقتضای [illegible] کرده در معارک [illegible] شده خلاف [illegible] نکو
نحو و الاسن کانت [illegible] حجته [illegible] حیلة [illegible]
اقدامه بعض قسم دوم آنکه سبب که [illegible] بیش از شجاعت او باشد و رای و تدبیر او بیش
از تعلم و سطوت او شده و مکاید و حیل بیشتر از اقدام کردن بر محاربه دشمنان باشد الثالث من
حسن انقیاده و [illegible] امره فی [illegible] ثبات [illegible] عمل [illegible] اکثر من [illegible] باضطرابهم قسم

انکه سیرت

قسم سیم آنکه سیرت [illegible] و شجاعت معرفت بر دارا و اصیبت بکفر کرد او را مالک امره و الی
او سازد و در حال فرصت و بر لشکر ها متوالی بوده باشد حرارت و مانع او [illegible] او بر جنگ ابی پشیرا از
اقدام او و افعال او بحیث کرده و اما خصم من کان عقده اکثر من موقعه فی الایقاع حمات و استیعض
من الغنم جمیعا لا باسه و انتقص اعتصاف ما لی و شکا النخعی [illegible] بما ینفعه علیه زیاس
من حیث صاحبه و سیرة امراء و الطهر الکراهیة لما هو فیه و کان النظر فیه الی التعلیق علی
علیه بار ذمن عقاد القتل و وهو الضلال یعنی حذر کن از سپه سالاری که عقد او زیاده
در کوشش و دفع دشمن از تو دارد و بزرگ شده [illegible] و شرم بکشد [illegible] بار دیگر [illegible]
و اضعاف [illegible] شده [illegible] موقع باید [illegible]
اندک [illegible] که وصول ان بسوی او متعذر باشد [illegible] باید [illegible] کند [illegible] سیرت مخدوم
خود و سیرت دشمنان او و اظهار گرانی [illegible] سیرت مخدوم خود نماید [illegible] و تنقل و تلون
بر طبع او غالب باشد از چنین کس حذر باید کرد و چنین کس را در میان لشکر حضور او نباید داد
که چنین کسی را اعتماد [illegible] شجاعت و شیمن جلال [illegible] حرب [illegible] حکم [illegible] باید
خوان باشد که علو مرتبه خود را از آن راه داند که در راه مخدوم و ولی نعمت کوشش می کند
و شر دشمنان را از او دفع می کند اگر چنین کسی را [illegible] و دفع [illegible]
از او حذر باید کرد و همچنین کسی که شیم [illegible] باشد از زیاد کردن [illegible] باشد از او
حذر باید کرد و دیگر کسی که [illegible] از [illegible] شد و [illegible] دفع کند از او حذر باید کرد
و همچنین کسی که شکایت [illegible] نقصان [illegible] کند [illegible] وصول [illegible] سوی [illegible] متعذر [illegible]
باشد و در [illegible] اجابت [illegible] از او حذر باید کرد و باید که افراد سپاه معتقد مخدوم خود باشند
و سیرت [illegible] شکر [illegible] باشند از روی محبت و اعتقاد [illegible] در راه او
جان فشانی کنند و شکر نعمت [illegible] باشند [illegible] باشند از روی [illegible] عقیده
[illegible] کوشش [illegible] لشکر [illegible] سیرت مخدوم
و دشمنان او [illegible] سیرت مخدوم [illegible] و همچنین کسی که تلون
المزاج باشد و گاه [illegible] دوستان و گاه [illegible] بسوی دشمنان [illegible] تلون باشد

و دیگر طریقه آن بود که هر وقت به سلک برود طریقه را سخن داند از چنین که آنچه باید کرد
و ایشان لشکر را منع باید داد که بی تجارت خود ایشان با دیگران سلوک کنند و اقوال و افعال مذموم
ایشان دیگران را اکرام کنند و از منهج عدل و انصاف و استقامت انحراف نسازد و تفضل [illegible]
امرا و عساکر و اطراف بلاد و محافظان قلاع و حارسان سرحد و امیر عسکر باید که به چند صفت موصوف
باشد یکی شجاعت دوم [illegible] اموال و انتقام در مواضع اخطار در وقت
ضرورت حاصل باشد و حکما گفته اند شیر [illegible] که سرکرده [illegible] باشد
که سرکرده آن روباه بهتر شده دیگر رای و تدبیر و عقل [illegible] که در چه مقام اقدام باید کرد و در چه
وقت توقف باید نمود و صاحب تجارب باشد و بر قواعد و قوانین حروب آگاه باشد و بر رسوم
داشتن لشکر و آراستن ایشان و ترتیب صفوف و آداب حرب و اختیار مواضع نیکو و اطلاع
بر [illegible] لشکر و [illegible] مصلحت [illegible] و معرفت رسوم
و قوانین دشمنان در حرب [illegible] اختلالات حادث شده از حوادث و مشکلات بصیر و آگاه
باشد [illegible] که اول [illegible]
[illegible] کار [illegible] و انواع [illegible]
[illegible] اختلاف [illegible] دیگر صفت [illegible]
[illegible] باشد [illegible] اموال صاحب [illegible] باشد لکن باید که [illegible]
اموال [illegible] باشد دیگر باید که سردار لشکر را نام و آوازه و شهرتی حاصل شده [illegible]
[illegible] باشد دیگر باید که امیر عسکر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] محبت پادشاه [illegible]
باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] سپاه [illegible]
[illegible] باشد دیگر باید که [illegible] لشکر [illegible]
[illegible] اختلاف [illegible] سپاه [illegible] اختلاف [illegible]
دیگر باید که امیر لشکر صاحب عزم [illegible] باشد [illegible]

ادار

و در معامله [illegible] داده و در حین غلبه و استیلا از تدارک واجب غافل نشود
و باید که [illegible] لشکر مخالف مستاصل نشود [illegible] ایشان [illegible] صفوف خود را
متفرق نسازند و [illegible] و اغتنام [illegible] مشغول نشوند و [illegible]
[illegible] که [illegible] لشکر [illegible] غالب شده اند [illegible] باشد [illegible]
[illegible] تجارب [illegible] باشد و اطلاع تام [illegible] احوال
دشمنان [illegible] و رعایا [illegible]
حسن سلوک [illegible] و رعایا [illegible] ظلم و جور لازم و واجب [illegible] باید که امیر [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و در تقویت شریعت [illegible]
شرایع اسلام [illegible] تمام لازم داند [illegible]
[illegible] طریق [illegible] و در تحصیل [illegible]
جهت [illegible] و تحصیل [illegible]
باشد و شرایط [illegible] قلاع و امرای سرحد [illegible]
قلاع [illegible] کار [illegible] باشند [illegible]
معروف باشند و باید که امیر سرحد صاحب کفایت و کاردانی باشد [illegible]
دشمنان و سلاطین [illegible]
در کار باشد و اخبار [illegible] از بلاد [illegible] باشد [illegible]
[illegible] احوال [illegible]
باید که [illegible] اخبار را اعلام نماید و هر خبر که برسد بحضرت پادشاه برسانیده باشد [illegible]
آن باشد که خبر صحت [illegible] باشد که اگر اعلام و اخبار [illegible] صحت [illegible]
[illegible] خبر [illegible]
[illegible] اگر صحت [illegible] اعلام [illegible] صحت [illegible]
[illegible] و اگر صحت نرسیده باشد اعلام کند که چنین خبری رسید لکن [illegible]
[illegible] صحت [illegible] اعلام نماید و باید که [illegible]

حکم است و در حالت اعلام حضور داده باشند و هیئت کسان او در راه وارد و داخل شهر بوده باشند
واخبار و استخبار رسیده باشند و باید که امر سرحد را بس باطن بوده باشند که خصمان را ...
و از دشمنان او در حساب باشند و او بداند و مصالح و غفلت ملک و ملکی که دشمنان
شود که شمر کنج و معبر و جوانب مملکت شود که از دشمنان و ... کار ... شود
ولایت او مقرر ... شود و در مقام تنبیه و تدارک درآید و اندک را بسیار عظیم شمرد و خود را
حفظ و نگهدارد که این چون این راه گشوده شود بیم آن هست که جزئی کلی گردد و اندک بسیار شود لکن
باید که در طریقه تدارک قانون عقل و میزان حکمت از دست نگذارد و کار بتول و خفت ساخته
شود و بعقل نیست شود اگر کار بجائی منتظم شود عقل مکر آن شیشه شود و شور و شر با هیچ قسم نظم
والله و بیت ... آن مصالح و مواد ... بوده باشد ... و تشخیص ...
باشد در حفظ قواعد و مراسم ... که شده از نقض ... و شکستن ... البته احتراز و تجنب لازم
داند و با کار ... از قانون مصلحت و میزان عقل و حکمت بیرون نرود و هر چیز که
مقرر و ثبت ... و حفظ ... باشد ادراک ... مقرر ...
و با مخالفان و خصم ... از طریقه ... و انعام و حسن قبول عقل ... وارد ...
... احسان ... ایشان ... طریقه مروت
و حسن سلوک ... و ... ملاطفت ... ایشان ... و ... ایشان را ... اطلاع ...
... و ... باشد
و باید که امرا ... سرحد ... لشکریان ... که ... احتراز ... عظمت
... و ... ایشان ...
جون ... ایشان ...
... و ... که ... شود و ...
باشد ... و ... که مصلحت امر ... و ... از ...
و ... و ... حرکت ... و ...
کار ... و ... از اطراف و نواحی ملک خود ...

و افادة

اگر حادثه واقع شود و یا امری غریب روی دهد اطلاع یا رد و مانند آن که در وقت ... ... حضور ...
احوال و اعمال ایشان ... و امور ... که ... خصمان و دشمنان ایشان ...
و جون ایشان ... مستقر ... بکار ... منتقطع ...
... ایشان ... بلکه ...
اگر ... حاصل ... ایشان ...
... و ... مقصود ...
جهت ... و ... اطلاع و ... ایشان ...
... مخصوص ... جهت ... اطلاع ...
عرض ... حاصل ... و در تقویت ... امراء سرحد ...
... و ... مقاصد ایشان ... و مطالب ایشان ...
... و ... ایشان ... و ...
و ... ایشان ...
و انعام ... و ... ایشان ...
... ایشان ...
... و ... ایشان ...
... و ... ایشان ...
اکرام و احسان ... و ...
و ... ایشان ...
لطف ... و ... ارسال ...
... ایشان ... اکرام و انعام
امید وار ... شد فصل سیم در ترجمه صحیفه که ظاهر و واضح است ...
... که در سال ... امیرالمؤمنین ...
...

و حکومت بسبب دین و دنیا لازم بوده شد نقل است که چون این نوشته شاه به مردم نوشته شد خواندن آن
رسید از طلبیده و برادر خواندند گفت یکی از شما بوطیب بعضی علما و بعضی از امور دین و دنیا و تدبیر
ملک و سیاست و اصلاح مملکت و رعیت و حفظ سلطان و ملازمت خلفا و منصب امرا و مشایخ
مکر انکه از احکام شرع و این رعیت خود و امر بمعروف چون که از جمیع حال نوا می نوشته و مطلبه
شود امارت خود شد و بر رعیت آن بوده و رعایا بوده و مضمون آن بجا کرد و چون بنده نامه
مذکور می بود بفارسی ترجمه شد بر وجهی که ظاهر مضمون آن معین کرد بسم الله الرحمن الرحیم اما بعد
بر تو لازم است مراعات تقوی و پرهیزکاری خدای وحده لا شریک له و خشیت و مراقبت او و دور
شدن از سخط و غضب او و نهی نفس و رعیت از آن است و بر تو لازم کردن آنکس که خاص فرزند
که خدای عز و جل تو را بر شان بنده بپاداشتن معاد و امرت و اتخیر که بعد از دین تو رسول الله
و اخبار که فرض در معرض حساب به پرسان از خواهند بوده است از آن خواهد رسید و لازم کرد آن
بخود عمل کردن از همه این امور بمواظبت خدای عز و جل ایشان را داده و بخشش و نعمت ابدی
لقای خود از عقاب جهنم از عذاب خود و نفس بدرستی که خدای عز و جل خواهد یادکرد و هر تو واجب
ساخته رعایت و مهربانی که فرض است از رعیت و نفس خود و از تو رعایت ایشان بجا آرد
و لازم کرد بنده بر تو عدل است با ایشان و قیام با داد حقهای ایشان و حد ها سیاست و دور ایشان
و دفع آفت و ظلم از ایشان و از خرابی ایشان و ضبط ایشان و حفظ کردن خونهای ایشان
و امن داشتن راهها از ایشان و نفع و دفع رنج از ایشان و خدای عز و جل مواخذه میکند
ترا با نچه فرض کرده بر تو و ترا از آن باز جو از آن سوال میکند و ثواب میدهد ترا بر آن
با نچه مقدم داشته و انچه موخر داشته پس فارغ کردان نفس خود و عقل خود را و ترا از آن هیچ
شغل و مشغولی ندارد که بدرستی که آن نفس امر تو و ملاک کار تست و اول چیزی که خدای عز و جل
ترا موفق سازد بآن از رعایت رشد و راه و نفع تو و باید که اول چیزی که بر نفس خود لازم سازی
و افعال خود را با آن منسوب کنی مواظبت بر آن چیزیست که خدای عز و جل بر تو فرض کرده است
از مواظبت بر پنج نماز و ادای آن و طریق جماعت بجا آوردن و در مواقیت نماز و بر شرایط
مقرر است چون وضو بجا آوری و وضو را تمام کنی بخدای عز و جل در نماز و ترتیل و قرات و تمکن در رکوع

و سجود روشن شود و صدق اخلاص و درستی و نیت و حرص کن بر نماز گذاشتن ترا اگر به توبه شتند
و در رعیت فرمان بردار باشند که بدرستی که نماز چنانست که خدای عز و جل فرموده ان الصلوة تنهی
عن الفحشاء والمنکر یعنی بدرستی که نماز باز میدارد از فحش و منکر و غرض آنست که نماز
مشتاق میشود که نماز گذارنده از فعلها و کارهای بد باز ایستد و چون مواظبت بر نماز بجا آورد
با مردمان اتباع آن و در عقب او را باید سنتی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
کردن اخلاق آنحضرت و بیرون کردن آثار صالحان گذشتگان که بعد از آن حضرت بوده اند
و هر کاری که بر تو امر عارض شود و مشکلات جوی در آن باستخاره خدای عز و جل تقوی و لزوم آنچه
خدای عز و جل در کتاب خود نازل ساخته از امر و نهی و حلال و حرام و اتمام آنچه از آثار حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله رسیده و قیام بآنچه خدای عز و جل حق و واجب است لازم کردانید
و از عدل میل باطراف مکن در هر چه شده خواه دوست دار و خواه کراهت داری و نفس
نسبت بقریب و بعید و شناس و بیگانه و اختیار کن فقه و اهل فقه را و دین و حاملان دین را و کتاب
خدای عز و جل و عاملان کتاب را که تحقیق که افضل چیزی که مزین میشود بآن مرد تفقه در دین است
و طلب آن و تحریص و ترغیب کردن بر آن و شناختن آنچه بآن تقرب جوید بخدای عز و جل
که بدرستی که آن دلیل است بر هر چیز و کنند بنده است سوی هر چیز و امر است بخیر و منع است
از کناهان و مهلکه و بآنچه گذرنده شد توفیق خدای عز و جل زیاده میشود شناختن بنده خدا را و اجلال
بنده خدا را و در یافتن درجات بلند در معاد با آنکه ظهور حق از بر مردم ظاهر شد توقیر امر تو خواهد
کرد و هیبت سلطنت تو خواهد بود در شنیده و انس تو خواهد کرفت و اعتماد بعدل تو خواهد داشت
و بر تو لازم است که اقتصاد و میانه روی و توسط و اعتدال کوشش در جمیع امور که هیچ چیز ظاهر
نفع تر و عظیم تر نیست و چیزی که نیز فضل از اقتصاد و نیست و اقتصاد و میانه روی راه رشد
بر شده و رشد دلیل است بر توفیق و توفیق کشاینده است سعادت و قوام دین و سنن
هادیه با اقتصاد است و اختیار اقتصاد کن در همه امور دنیویه و کوتاهی مکن در طلب امرت و طلب
امر و ثواب و اعمال صالحه و سنن معروفه و معالم رشد و نهایت و حصر و غایت نیست جهت آنکه
نیکی با ان سعی کردن را و کاه بطلب طلب و مرا امید شده و مرضیات الهی و موافقت سنن

خداوند را کرامات او مقصود از تقدیم نیکویی بجا آنکه عز نهاده از آن کردن نیز هر چه حسن حال
دارد و به آنکه اقتصاد در امور با صورت عادت هست و از کار دین نگاه میدارد و حقیقی گردد و طبیعت
نفس خود و نیز میکان خود و استصلاح امور خود میتوان کرد بجز افضل آن اقتصاد و توسط و اعتدال
پس بجا و هست بران عمل را چنانکه بهری از امور تو تمام شود و قوت تو زیاد گردد و خاصه
و عامه تو اصلاح آید و کمال خود اعتدال از خدای عز و جل نیکو است از رعیت تو از برای تو مستقیم شوند
و طلب و التماس و سبیل کن بسوی خدای عز و جل در جمیع امور خود بسبب آن نعمت خدای عز و جل
را بر خود دایم دار و مجلس از کنج را کستوال امر از انا امور را نیز تنعم به چیزی از آن که شد
آن امر کن وجود استصقاع بهم نکوش هر وقت بهجوم به هر فنون آن و گاه به هر قبیل نشستن که این است
پس عادت خود کن گاه نیکو یاران خود و دشمنی و منع کن از غرور و گاهی ایشان در شکن
که این امور در نیکی کنند نیکو کاری ست ایشان در شکن و ایشان را بر خوی داشتن و نجات کن
که دشمن خدا شیطان را در کار تو و عمل معرفت شده است که شیطان را که میکنند تقلیل آن در
و سستی تو و اعمال تو بکار دارند و تو از هم سبب به کار ندیدن ان و اصحاب انحراف لیست هیچ تو را
ناقص کرد اند و به آنکه در اخلاق سبب حسن ظن و فرق وراحت و کفایت مشغول از تو بسبب آن
ان کفایت اما امور خود بخواهی رسید آنهم راه درست خود و درست عمل و امور خود را
مستقیم سبب نیز و آنکه منع مکن از احسن ظن به اصحاب و دیوان خود از آنکه سوال [illegible] اوری
و تجسس تفتیش کن از کارها در خود و تعهد شرایط امور درستی کن و محافظت رعیت بجا آوری
و نظر و اندیشه کن در امور که قوام و صلاح امور ایشان شده باید که به شرایط
امور درستی آن کوشیدن در اصلاح و صورت حال ایشان و محافظت رعیت کردن
و حفاظت کار ایشان نمودن و نظر کردن در امری که قوام حال و صلاح امر ایشان
باشد و نظر در حاجات ایشان کردن و تحمل مؤونات ایشان شدن بیشتر از اول کار کرده
باشد بر هر آن کار چون اقامت تقدیم دین را چیا هست بکند و خالص کردن نیت خود را
در دین امور و مشغول شو تقدیم و اصلاح [illegible] نیز که [illegible] مسئول خواهد بود
از انکه کرده و مجازی خواهد بود نیکوی کرده و مواخذه خواهد بود بدی کرده و [illegible]

حوار

١٩٠

خدای عز و جل بر تو امر کرد از آن که ما را و عز که صاحب دین را طلب [illegible] و بر وضع و طلبد
حرمتی گردانیده و کسی را که بر دین این کند و امر از دین بجا آورد و بر سلوک کن بر نسب حمد و هر که
سیاست در رعایت و تمیز را امراء و میکن تنعم [illegible] بر طریقه هدایت [illegible] حدود و الهی را
در اصحاب جرایم و گناهان بر منازل و مراتب استحقاق ایشان بیش از مرتبه استحقاق ایشان
مقدور و تجاوز بجانب افراط و تفریط مکن و تعطیل مکن حدود او تهاون در آن مکن در سیاست
و عقوبات اهل عقوبت مستحقان تادیب و سیاست به تفریط و تقصیر در آن مفضی [illegible] شود
و حسن ظن تو زایل کرده و عزم کن در دین بر ابواب به سنن و فرایض معروف و مسلمان از بدعتها
و شبهه ها اجتناب کن تا دین تو سالم باشد و مروت تو قایم باشد و هر که را معاهده کنی تعهد و عهد
عهد خود کن و هر گاه وعده کنی بهر وعده کوشش و هر گاه وعده دهی انجاز آن کن و قبول
حسنه کن و از عیب هر صاحب عیب از رعیت خود اغماض کن و به نظر زبانت را از گفتن کذب
و زور و صاحبان آن امسک باش و دور کن نام را که اول فن دور امور تو در عاجل و آجل
نزدیک ساختن دروغ گوی و جرات بر دروغ هست که کذب سرگناه هست و زور و فجور خاتم
گناه هست به صاحب شنو سلامت نیابد و از جهت گوینده آن در اکثر کسی سلامت نیابد
و جهت امور مستقیم نزدیک [illegible] اهل صدق و صلاح را دوست دار و ضعیفان را ایمن دار
و صله رحم بجا آور و بر دین اشتغال و صدار [illegible] و اولیا و امرا [illegible] الناس غایب و دور امانت منظور دار
و استیفا مکن از هوا و میلها [illegible] به جور و ظلم و رای خود را از نو تدبیران و برای خود را از آن
امور نیز در رعیت ظاهر ساز و قایم کن به عدل سیاست ایشان را و قیام [illegible] مشورت کن
تا در راه هدایت رود که نفس خود [illegible] نیز نفس [illegible] عالم و هر چه [illegible]
و صحت و عزیز بعد امور خود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خدای عز و جل احسان او ورزند و در استطالت شده قدر کنج سبب تقصیرها و تقوی کردن خدای عز و جل شایع
داده و از خود دور کن شر و فتنه را و چنان کن که تا به کشور کم و زیاد بسیار نعیم و بخشیده
شود و هیچ کار رو معروف شده استقلال رعیت و عمارت و آبادانی بلاد ایشان و تفقد احوال ایشان
و حفظ و ... ایشان ... ملکان ایشان و به آنکه ... بسیاری و دو چندان بیشتر [illegible]
شود و زیادتی ... شده و ... در اصلاح رعیت و ادای حقوق ایشان و دیگر ... [illegible]
ایشان از اموال ... کرده و ... اصلاح ... ولایت و رعایت ... [illegible]
و هیچ ... کار ... از ... شود و از آن ... منفعت حاصل ... [illegible]
گنج خزاین تو تفریق اموال در تعمیر اسلام و اهل اسلام و ... در دوستان پادشاه و دل رعیت
که نتواند حقوق ایشان ... حصص ایشان ... و منقود ... امور
که اصلاح امور ایشان و معاش ایشان ... و هر کار ... بیشتر ... موجب
زیادتی نعمت از جانب خدای عز و جل خواهد بود ... جمیع خزاین و اموال ... و جمیع و حفظ
اموال رعیت و لوازم شغل و عمل خود ... خواهد بود و شفقت ... خود را ... [illegible]
شود ... و عظیم ... تو ... الا الله ... [illegible]
خود صرف شود ... رعیت ... ایشان ... [illegible]
آنکه ... اموال ... حقوق
که بر تو لازم شده ... تهاون موجب تقصیر و تفریط ... موجب هلاک ... [illegible]
که عمل تو خالص از جهت خدای عز و جل شده و از او امید جزا و مکافات داشته باشی ... خلق
... نعمت خود بوده و فضل و عطای ... [illegible]
باشی شاکر و بر شکر ... خدای عز و جل جزا و احسان ... زیاده کند ... خدای
عز و جل ... شکر ... احسان ... [illegible]
حاسد ... هیچ ... احسان ... نعمت ... [illegible]
... مسامحت مکن و هیچ کاری ... [illegible]
... هیچ ... مکن و هیچ کس ... [illegible]

رو دکن

رو دکن و احیاء و هیچ باطل مکن و در امور ... نظر بسیار کن و خلف هیچ وعده مکن و الطاف ... مکن
صاحب ... باش و از ... شدت ... [illegible]
مکن و ... کار ... بسیار کن و ... از راه ... [illegible]
... مکن ... و عاقلان ... بسیار مشاورت ... [illegible]
تجارب و صاحبان عقل و رای و حکمت ... [illegible]
و بخیلان را ... [illegible]
و هیچ ... [illegible]
بسیار ... [illegible] ... امور ... الا الله ...
چه محبت تو در دل رعیت ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
خدای عز و جل ... [illegible]
که خدای عز و جل ... [illegible]
... [illegible]
... خدای عز و جل ... [illegible]

و دین خدا پدید آورد و مجاری سیاسات و شرایع و سنن ملت بر مجاری خود و در امر خدای شدید و قوی باشی
و منتفع شوی به آن از امور کلی عجیب و در اعضا اتفاقات حدود و شرع نگهداری و از غایت احتراز کنی و از
ضجر و قلق و اضطراب دوری کنی و همت خود قانع باشی به تجربه خود منتفع شوی و در حال همت بلند
نشسته باشی و در سخن گفتن سنجیده باشی و با حلم و انصاف باشی و از شبهه [illegible] توقف کنی و ابلاغ
حجت بلیغ باشی و نگاهدار امور رعیت [illegible] بر علانیت [illegible] کنند و [illegible] ثبات [illegible] باشی
و مراقبت به نظر و تدبیر و تفکر واقف به عمل [illegible] باشی [illegible] بر [illegible] کار خود تواضع کنی و [illegible]
و جمیع رعیت خود [illegible] باشی و حق [illegible] سلطان [illegible] رعیت به حقیقت [illegible] که
خدمت [illegible] خدای عز و جل [illegible] عظیم [illegible] ملکها [illegible] شود و [illegible]
بر آن مستقیم شود و [illegible] خدای عز و جل از جهت اسلام [illegible] از جهت اهل اسلام
و [illegible] اسلام و اهل اسلام [illegible] حفظ و از جهت اهل کفر از [illegible]
پس [illegible] رعیت [illegible] حق و عدل [illegible] عموم [illegible] دفع [illegible]
از [illegible] سبب [illegible] او و [illegible] از [illegible] از کار [illegible]
یکی از [illegible] و از آن [illegible] و تکلیف [illegible] بر [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] و مردم [illegible] حق و [illegible] جمع کنند [illegible] الفت
ایشان و [illegible] مصالح [illegible] پس [illegible] که [illegible] و [illegible]
و [illegible] دستان [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] و [illegible] از [illegible] امور ایشان و صلاح ایشان
و تقدیم امور [illegible] ایشان [illegible] و [illegible] تجربه [illegible] عمل [illegible]
سیاست و [illegible] ایشان [illegible] از جهت [illegible]
[illegible] و [illegible] شده [illegible] از آن امور [illegible] شده
و از آن [illegible] که [illegible] را [illegible] و [illegible]
کرده [illegible] کار [illegible] از جهت
و [illegible] صلاح [illegible] میشود [illegible]

وظاهر میشود ضعف وزیر سیاسی در مملکت و دبیر میشود خرابیت و منتفع میشود امور النساء [illegible]
میشود و [illegible] داشتن لشکر [illegible] میشود [illegible] خلق عامه مردم به [illegible] ایشان از جانب [illegible]
و خواص [illegible] و در این حال [illegible] السیاسة [illegible] العدل [illegible] داشت و خواص [illegible] امور [illegible]
مدت [illegible] پس [illegible] کنی [illegible] امر و تقدیم [illegible] این کار امری محمود
میشود [illegible] و دیگران [illegible] اختیار [illegible] اعمال خود را
[illegible] اختیار کنند و سیرت و اعمال ایشان [illegible] که با تو [illegible] عمل و معاینه [illegible]
افعال و اعمال او در [illegible] اراده [illegible] از عاملان خود را [illegible] کنند
عواقب [illegible] الاعتقاد [illegible] وظایف [illegible] امید [illegible] و [illegible]
[illegible] امور [illegible] توقف کنی و مراجعت [illegible] کنی [illegible] با اهل
علم و تجربت [illegible] مدت آن کار [illegible] نظر کند در امر [illegible]
کند [illegible] و اغوا و اضلال [illegible] امر [illegible]
عواقب آن کار کند [illegible] هلاک [illegible] امر [illegible] پس [illegible]
کار [illegible] خدای عز و جل [illegible]
با خدای عز و جل در جمیع امور [illegible] از کار امور [illegible] فارغ شود [illegible]
[illegible] امور [illegible] امور [illegible] از کار [illegible]
امروز [illegible] امروز [illegible] گذشت [illegible] عمل او را
[illegible] جمع [illegible] و روز [illegible] مشغول [illegible] از آن [illegible]
[illegible] عمل [illegible]
سلطنت خود را [illegible] مردم [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]

۱۹۳

جمیع کارخانجات ایشان مشغول اصلاح حال ایشان [illegible] رحمت [illegible] قول [illegible] المسلمین [illegible]
[illegible] ایشان مشغول [illegible] الهامات [illegible] اصلاح [illegible]
[illegible] اصلاح [illegible] ایشان [illegible] بوده [illegible] اصلاح حال ایشان
[illegible] آورده [illegible] ایشان [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] الشاه [illegible] شده
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] اصلاح [illegible] ایشان [illegible]
الشاه [illegible] شده [illegible] ایشان [illegible] شده [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] بوده [illegible]
و مملکت [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] احوال [illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] الاسلام [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] علم [illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible]

بحمل

[illegible]

[illegible]

آمده و عالم [illegible] موافق [illegible] [illegible] الشاه [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] [illegible]

[illegible] ایران [illegible] [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] [illegible] سلطان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مادعان

مادعان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible — handwritten Persian text in shikasta script, 21 lines (right-hand page)]

۱۹۸

[illegible — handwritten Persian text in shikasta script, 21 lines (left-hand page)]

مرد فرمانده و جنگ صلاح دران دیدند حضرت سلطان [illegible]

[illegible]

۱۹۹

[illegible]

مقدم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۰۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مصالح

ومصالح [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ماده

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۱۶

[illegible]

[illegible]

نقش ...

[illegible]

۲۱۷

کتاب زکوة از کفایة الاحکام تصنیف نواب عمدة الاعاظم افضل المتأخرین
وقدوة المحققین مولانا محمد باقر الشریف السبزواری نسخه اصل بخط ایشان
عفی الله عنه ولوالدیه ولسایر الاخوان

کتاب الزکوة من الکفایة
بخط المصنف
قدس الله روحه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة على محمد وآله ... عبد القاهر ... كتاب ... والمنظوم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الفصل الثاني [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الفصل الثالث [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الفصل الرابع [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

القصد ... [illegible] ... الثاني [illegible]

[illegible]

الفصل الثالث [illegible]

[illegible]

واختلف [illegible]

[illegible]

[illegible]

٢٢٧

[illegible]

[illegible]

فيه ... وقد قال ... [illegible] ... العلم بوجود على القدرة

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٢٢٣ [illegible]

[illegible]

كتاب الصوم

٢٢٦

[illegible]

[illegible]

واختلفوا في الكفارة [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٢٣٠

[illegible]

[illegible]

۲۳۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلموا معاشر اخواننا المسلمين اعاننا الله واياكم على طاعته واخذ بنواصينا الى عبادته وما يوجب الفوز لقربه ومغفرته ان صلوة الجمعة من اعظم فرائض الاسلام وافضل العبادات بعد الايمان خص الله بها هذه الامة الكريمة وجعلها في ذلك اليوم الشريف من اجل ان الجمع جمعهم بين وظيفة الذكر والصلوة والوعظ واستماعها الموجب لصفاء القلوب والاجتماع على التقوى والبعد عن معصيته تعالى فقد خص الله كل مسلم يوم من الاسبوع يتقرب فيه اليه بما شرعه لهم من الدين وجعل هذه الصلوة في هذا اليوم من خاصة المسلمين وقد حضهم الله تعالى مع ذلك الحث العظيم المؤكد عليها لم يفعله بغيرها من العبادات فقال سبحانه في محكم كتابه يا ايها الذين امنوا اذا نودي للصلوة من يوم الجمعة فاسعوا الى ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون الى الايات وفيها ضروب من التوكيد لا يقتضي الحال بسطه لكثرته ودقة ماخذه مما يليق بهذا المكان لا يخفى على من له سلك لحقايق الكلام وامر النبي صلى الله عليه واله بقراءة هذه السورة يوم الجمعة في ساير الصلوات خصوصا صلوة الجمعة ليتدبر السامع لهذا الامر فينبعث على العمل بمقتضاه واعاد التوكيد عليها في سورة المنافقين للامر بقراءتها فيها ايضا فقال جل من قايل في سورة المنافقين بعد ان سمي هذه الصلوة ذكر الله تعالى في سورة الجمعة وامر بها ناهيا عن التهاون بها في السورة الاخرى يا ايها الذين امنوا لا تلهكم اموالكم ولا اولادكم عن ذكر الله ومن يفعل ذلك فاولئك هم الخاسرون فتامل كيف جمع بين الامر بفعلها والحث عليه في السورة الاولى ثم شفعه بالنهي عن الاشتغال عنها والتهديد على تركها في السورة الثانية ووصف التارك لها بالخسران الذي وصف به الكافرين والظالمين في مواضع كثيرة من القرآن الكريم وفي هذا كفاية للمقتصر وبلاغ للمتدبر وقال تعالى حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى فخص الوسطى بالامر بالمحافظة عليها من بين الصلوات والذي عليه المحققون انها صلوة الظهر في غير يوم الجمعة وفيه هي الجمعة بل قال جماعة من العلماء انها هي الجمعة لا غير واما ما ورد من الحث عليها في السنة المطهرة فكثير لا يكاد ينحصر فمنه قول النبي صلى الله عليه واله الجمعة حق على كل مسلم

الا اربعة عبد مملوك او امرأة او صبي او مريض وقوله صلى الله عليه واله اعلموا ان الله تعالى افترض عليكم الجمعة فمن تركها في حياتي او بعد موتي وله امام يقتدي به استخفافا بها او جحودا لها فلا جمع الله شمله ولا بارك له في امره الا ولا صلوة له الا ولا زكوة له الا ولا حج له الا ولا صوم له الا ولا بر له حتى يتوب وروى محمد بن مسلم عن ابي جعفر الباقر عليه السلام انه قال من ترك الجمعة ثلث جمع طبع الله على قلبه وعن ابي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام قال ان للجمعة لحقا وحرمة فاياك ان تضيع او تقصر في شيء من عبادة الله تعالى والتقرب اليه بالعمل الصالح وعنه عليه السلام فضل الله الجمعة على غيرها وان الجنان لتزخرف وتزين يوم الجمعة لمن اتاها وانكم تتسابقون الى الجنة على قدر سبقكم الى الصلوة وان ابواب الجنان لتفتح لصعود اعمال العباد وان الملائكة لتقف على ابواب المساجد وبايديهم قراطيس من الذهب واقلام الفضة يكتبون الاول فالاول حتى الامام يصعد على المنبر فيطوون الصحف ويدخلون مع الناس يستمعون الخطبة وعنه عليه السلام قال ان الله تعالى فرض في كل سبعة ايام خمسا وثلثين صلوة منها صلوة واجبة على كل مسلم ان يشهدها الا المريض والمملوك والمسافر والمرأة والصبي وعنه عليه السلام قال جاء اعرابي الى النبي صلى الله عليه واله وسلم يقال له قليب فقال له رسول الله صلى الله عليه واله اني تهيأت الى الحج كذا وكذا مرة فما قدر لي فقال يا قليب عليك بالجمعة فانها حج المساكين فهذه نبذة يسيرة مما ورد في الكتاب والسنة من الحث عليها وفي فضلها ويكفيكم في فضلها من جهة الاعتبار ما وردت به الاخبار واتفق عليه علماء الاخيار من ان افضل الاعمال الصالحة بعد الايمان هو الصلوة وان اليومية من بينها افضل افرادها وان الصلوة الوسطى افضل اليومية وهي صلوة الظهر في غير يوم الجمعة وفيه هي الجمعة كما مر فتكون الجمعة افضل اعمال اليوم مطلقا بعد الايمان وفي هذا القصد كفاية بل فيه غاية المريد وغنية لمن كان له قلب او القى السمع وهو شهيد فكيف يليق بالمسلم بعد ما يطرق سمعه هذا الامر ان يهمل هذه الفريضة العظيمة ويضيع هذا اليوم الشريف الذي جعله الله به للمسلمين ويصرفه في امور الدنيا بل في البطالة والخسران ما هذا الا دليل على ضعف الايمان ووهن اليقين وتلبيس ابليس اللعين ومداخلة الحقد على المؤمنين في تعليمهم بقول بعض العلماء انها مشروطة باذن الامام او من نصبه ونحو ذلك وهذا قول ضعيف لا يعذر معتقده عند الله في هذا الزمان خصوصا بعد ما يطرق سمعه ما اوردناه من الاوامر المطلقة التي لم يرد لها مقيد معتبر عند من يتبصر وماذا يكون جوابكم عند الله تعالى يوم الحساب ومناقشة المستحق للعذاب

٢٣٦

اذا قال لكم فقد امركم بهذه الفريضة العظيمة في محكم كتابه المجيد الذي لا ياتيه الباطل من بين يديه
ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد وما اكتفيت بذلك حتى حثثتكم عليها على سنة
رسله وخلفائه ايتهم ما قد سمع من كان حيا فيقبل منكم ان تقولوا سمعنا من بعض الناس
انها غير واجبة فيجب ان الله لم يوكد الحث عليها بما ذكرناه لكثر قول الناس معاذ من يقول
ساير المسلمين بوجوبها على الوجه الذي بيناه فنسال الله العزيز الكريم العظيم العفو والرحمه
ونستمد منه المعونة على اداء حقه وامتثال اوامره وها انا قد اديت الامانة ونصحت بما
علمنا استطعت وما توفيقي الا بالله عليه توكلت واليه انيب والحمد لله حق حمده وصلوته
على سيد رسله محمد واله وصحبه واله الصالحين وكتب هذه الاحرف الفقير الى عفو الله
سبحانه عز وجل زين الدين بن احمد بن علي بن احمد العاملي حامدا مصليا مسلما مستغفرا
هذه صورة خطه رحمه الله

لعل لاباس ... من بين يديه
... عليها على سنة
لو اسمعنا من بعض الناس
قول الناس معارض بقول
... والعفو والحمد

[illegible]

١١٣

[illegible] ١١٣ [illegible] ١١٣ [illegible] ١١٣ [illegible] ١١٣

[illegible] ١١٣ [illegible] ١١٣ [illegible] ١١٣ [illegible] ١١٣ [illegible] ١١٣

[illegible]